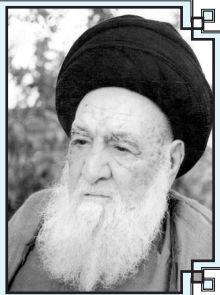


«... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



جایگاه برجسته
آیت الله العظمی
خویی (ره) در
سه حوزه قرآن،
حدیث، فقه



سال سی و هشتم • شماره ۹ • شماره مسلسل ۱۵۰۳ • نیمه اول مرداد ماه ۱۳۹۴ • قیمت: ۵۰۰ تومان

نمونه‌ای از تاریخ نگاری دو نشریه اصلاح طلب و اصولگرا

تاریخ را چگونه باید نوشت؟

در دو ماهنامه اصلاح طلب و اصول گرا، در ضمن گفتگو با دوستان، مطالبی مطرح شده بود که نیاز به توضیح و تصحیح و تکمیل داشت... و این کار در دو موردی که نام حضرت استاد سیدهادی خسروشاهی نیز به میان آمده بود، یادداشت توضیحی به دوستان ارسال گردید، ولی متأسفانه علیرغم گذشت دو ماه از چاپ این توضیحات در آن دو ماهنامه، خبری نشد و گویا تاریخ را باید آنگونه نوشت که دوستان می خواهند و «سفرش» می دهند... و تعلیق و تکمیل هم ظاهراً ضرورتی ندارد!! اینک آن دو یادداشت، برای ثبت در تاریخ و تکمیل و تصحیح مطالب آن دو مصاحبه، در این نشریه به چاپ می رسد که شاید خوانندگان و علاقمندان آن، کمتر از خوانندگان آن دو نشریه نباشد.



سردبیر
صفحه ۶ و ۷

الزهر و آیت الله کاشانی



صفحه ۲

اهدای دومین جایزه حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی به مجمع تقریب و آیت الله تسخیری



صفحه ۱۱

آیت الله دین پرورد:

تشکیک در مطالب نهج البلاغه، تلاشی باطل و نافر جام است



صفحه ۹

یادی از آیت الله شب زنده دار

احمد باقریان جهرمی



صفحه ۷

در مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین مبلغی بررسی شد: ویژگی های «گفت و گو» در اندیشه و سیره امام موسی صدر



صفحه ۴

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان استان قم: نخستین دفتر پستی ویژه ناشران در قم افتتاح شد



صفحه ۱۲

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان:

تأثیر استادان، آیت الله العظمی بروجردی را به چهره عظیم علمی و معنوی تبدیل کرد

وضو نیز از آب کشاورزان درجه کم نمی کرد چرا که می گفت توان جواب دادن به خدا را در روز قیامت ندارم. وی تصریح کرد: جامعه اگر این نکات را متوجه شود شاید به نظرش افسانه باشد اما این مسائل در عالمان شیعه عین حقیقت بود. استاد انصاریان افزود: آیت الله درجه ای به عنوان معلمی اثرگذار، آیت الله العظمی بروجردی را به صورت بنیادین با فقه اهلبیت (ع) تغذیه و پیش از رفتن به نجف تبدیل به فقیه جامع الشرایط کرد و اخلاق و زهدش نیز در ایشان اثر گذاشت. وی تصریح کرد: روزی بوی کباب در منزل آیت الله العظمی بروجردی به مشام ایشان می رسد؛ این عالم ربانی خادم خود را صدا می کند و می گوید «در روزگاری که مردم با نان و ماست و سیب زمینی افطار می کنند به چه دلیل در خانه من، کباب درست کرده و من را چینی می کنی» که خادم پاسخ می دهد دود کباب برای خانه همسایه است و ایشان خدا را به گونه ای شکر می کند که گویا دنیا را به ایشان داده اند.

این استاد اخلاق حوزه در ادامه با اشاره به اینکه دیگر استاد آیت الله العظمی بروجردی، «مرحوم علامه آیت الله جهانگیرخان قشقایی» بود، ابراز داشت: ایشان حجت حق و آیت پروردگار بود که ۲۰ سال درس خواند و تبدیل به یکی از بالاترین عالم نورانی اثرگذار در مکتب اهلبیت (ع) شد و بر وجود آیت الله العظمی بروجردی اثرگذار بود. استاد انصاریان افزود: معلم دیگر حضرت آیت الله بروجردی، «مرحوم آیت الله العظمی ابوالمعالی کلباسی» بود که ایشان را از رجال سیراب کرد. وی معلم تأثیرگذار دیگر بر آیت الله العظمی بروجردی را «آخوند ملا محمد کاشانی» عنوان کرد و گفت: این معلم از اولیاء الله بود که نفسش، آیت الله العظمی بروجردی را ساخت.

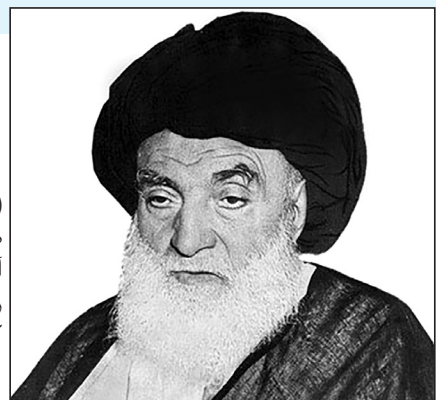
این استاد اخلاق حوزه در پایان خاطر نشان کرد: آیت الله العظمی بروجردی جهانی بود که ترکیب معلمان ایشان به عنوان هفت آسمان پرستاره در وجود این مرجع عظیم الشان تأثیر گذاشت.

آیت الله العظمی بروجردی منتقل شد، ابراز داشت: ایشان تمام زحمات مرحوم آخوند خراسانی را تکمیل کرد. وی بیان اینکه آیت الله العظمی بروجردی نخستین کسی بود که به «عروه الوثقی» حاشیه علمی وارد کرد، ابراز داشتند: بعد از این اقدام، یکی از علمای بزرگ تبریز به حضرت آیت الله بروجردی نامه می نویسد «برای من، بین خود و خدا ثابت شده است که باید مردم آذربایجان را به شما ارجاع دهم». این استاد حوزه علمیه تصریح کرد: آیت الله العظمی بروجردی در پاسخ به نامه می نویسد «امروز علمدار شیعه و مکتب اهلبیت و رهبر جامعه تشیع آیت الله العظمی اصفهانی است و من راضی نیستم یک نفر را از تقلید ایشان کم کنید و به من ارجاع دهید. استاد انصاریان تصریح کرد: این همان ادب، تربیت، اخلاص، روش و منش است که از آیت الله العظمی آخوند مرحوم صاحب عروه و معلم فقه دیگر ایشان «آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی» که اجازه اجتهاد مطلق در ۲۷ سالگی به آیت الله العظمی بروجردی اعطا کرده بود، منشأ می گرفت. وی با بیان اینکه آیت الله العظمی بروجردی در طول ۱۰ سال در اصفهان در محضر چهار استاد مشرف بود، گفت: «مرحوم آیت الله العظمی درچه ای» در علم، تقوا، احتیاط، زهد، عبادت و معلمی حرف نخست را می زد.

این استاد حوزه علمیه با اشاره به سبک اخلاقی کم نظیر آیت الله درچه ای، ابراز داشت: این عالم ربانی پنجشنبه و جمعه به درچه محل ولادت می آمد و حق زن و فرزند را رعایت می کرد و با اجازه همسر از شنبه تا چهارشنبه اصفهان بود؛ برای تغذیه نان خشک و ماست و پنیر با خود به اصفهان می برد؛ هنگامی که از اصفهان به درچه باز می گشت اگر به منزل دیر می رسید و می دانست که در آن لحظه همسرش خواب است، از درب زدن خودداری می کرد و در کوچه عبا و عمامه را می انداخت و وقت نماز شب بلند می شد و در منزل را می زد چرا که میدانست در این لحظه همسرش بیدار است. استاد انصاریان افزود: آیت الله درچه ای به اندازه یک

این استاد حوزه علمیه تصریح کردند: حضرت ابراهیم (ع) در دعای خود می فرماید «پروردگار ما! برانگیز در میان ذریه ما پیامبری را از خود ایشان که آیات تو را بر آنها تلاوت کند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، و آنان را رشد و نمو دهد و بارور و پر بهره گرداند؛ به درستی که حقا تو تنها دارای مقام عزت و حکمت می باشی». استاد حسین انصاریان افزود: پروردگار عالم، دعای حضرت ابراهیم (ع) را استجابت بخشید و بعد از گذشت قرن ها معلمی اثرگذار را از جانب خود انتخاب و به جهانیان عنایت کرد که آیات سوره احزاب عظمت پیامبر اکرم (ص) را بیان می کند. وی تصریح کرد: این معلم جان ها، عقل ها و قلب های مرده را زنده و نهال وجودی انسان را به شجره طیبه تبدیل می کند برای آنها که زنده شدن را بخواهند. استاد انصاریان با اشاره به تأثیر معلم بر شکل گیری وجود آیت الله العظمی بروجردی، اظهار داشتند: اعطا کردن چهار معلم ویژه در اصفهان و سه معلم بسیار ویژه در نجف اشرف از عنایات خاص پروردگار برای تبدیل کردن حضرت آیت الله بروجردی به چهره عظیم معنوی تأثیرگذار بود. وی با بیان اینکه «مرحوم آیت الله العظمی آخوند خراسانی» صاحب کتاب معروف «کفایة الاصول» تنها معلم درس های حوزوی نبود، اظهار داشت: مرحوم آخوند از اولیاء الهی بود که اخلاق، منش، روش و معنویت ایشان درس بود؛ این عالم بزرگ در اوج سلطنت علمی فروتن، متواضع و خاکسار بود.

این استاد اخلاق حوزه با اشاره به اینکه مرحوم آخوند خراسانی روح تشنه، عقل حیات یاب و قلب خداخواه آیت الله العظمی بروجردی را سیراب می کرد، گفتند: این معلم اثرگذار همه واقعیات علمی و معنوی خودش را انتقال می داد و آیت الله العظمی بروجردی نیز با همه وجود از این چشمه زلال علم و کرامت و اخلاق، خود را سیراب می کرد. استاد انصاریان با بیان اینکه کرامات روحی، توسلات و فقه «آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی» به



مراسم بزرگداشت پنجاه و ششمین سالگرد ارتحال آیت الله العظمی بروجردی با حضور مسئولان و اساتید حوزه با سخنرانی استاد حسین انصاریان در مسجد اعظم قم برگزار شد.

استاد حسین انصاریان در این مراسم با اشاره به جایگاه رفیع عالم اثرگذار، اظهار داشتند: پروردگار در قرآن مجید و ائمه معصومین (ع) در روایات، ارزش والایی برای عالم اثرگذار که در حقیقت زنده کننده عقل و قلب و روان انسان است، قائل شده اند. وی با اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»، ابراز داشتند: مقصود خداوند در آیه مذکور این است «پاسخ دعوت پیامبر من را بدهید که وی، شما را دعوت می کند تا عقل، قلب و روان مرده را زنده کند و از جمع حیوانات خارج کند و بر امتیازات انسانی شما بر دیگر موجودات تحقق بخشد». این استاد حوزه علمیه با تأکید بر اثرگذاری عالم در افراد و جهان، اظهار داشتند: عالم اثرگذار واقعا زنده کننده است و یقیناً بدون عالم اثرگذار شما مرده هستید.

استاد انصاریان با اشاره به دعاها حضرت ابراهیم (ع) در هنگام بنای کعبه، گفت: آنقدر عالم اثرگذار ارزش دارد که حضرت ابراهیم (ع) از خداوند برای آینده مردم درخواست بعثت معلم اثرگذار کرد.

وی افزود: درخواست حضرت ابراهیم (ع) از پروردگار به عنوان پدران پیغمبران بعد از خود مبنی بر بعثت معلم اثرگذار برای آیندگان، نشان دهنده ارزش این مسئله است.

۲ بهشت	<div>◄ شماره ۹</div>
<div>شماره مسلسل ۱۵۰۳</div>	<div>◄ شماره مسلسل ۱۵۰۳</div>
سیاسی	<div>◄ نیمه اول مرداد ۱۳۹۴</div>
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، قیمومیت فلسطین به بریتانیا واگذار شد. بریتانیا از همان زمان برنامه تشکیل دولتی مرکب از یهودیان سراسر دنیا در خاک فلسطین را طراحی کرد و پس از پایان جنگ جهانی دوم، مسئله فلسطین و تشکیل دولت یهود را به سازمان ملل ارجاع داد.

در سال ۱۹۴۸ میلادی، ۱۳۲۷ شمسی، طرح تقسیم کشور فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و تشکیل دولت اسرائیل اعلام شد. ایران جزء کشورهای بود که به ورود اسرائیل به سازمان ملل متحد به‌منظور «حفظ مناسبات دوستانه با کشورهای عرب» رأی منفی داد. اما پس از آن به دلایل مختلف – که یکی از آنها تعداد زیاد اتباع ایرانی در فلسطین ذکر شده – دولت ایران اسرائیل را به‌صورت «دفاکتو» شناسایی می‌کند. سخنگوی دولت ایران در دفاع از شناسایی اسرائیل، به وجود ۲۰ هزار نفر از اتباع دولت ایران در فلسطین اشاره می‌کند. «فضل‌الله نورالدین کیا» نیز در خاطرات خدمت خود در فلسطین به اتباع ایرانی مقیم فلسطین اشاره کرده است.

هم‌زمان با جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و تشکیل کابینه توسط دکتر محمد مصدق، بار دیگر موضوع روابط ایران و اسرائیل مطرح شد. کشورهای عربی به مقامات دولت مصدق اطلاع دادند که در صورت بازپس‌گیری شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران، آنها نیز در جریان اختلافات ایران و انگلستان بر سر مسئله نفت، از موضع ایران حمایت خواهند کرد.

درخواست الازهر از کاشانی

دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق در هشتم اردیبهشت ۱۳۳۰ آغاز شد. براساس اسناد وزارت امور خارجه ایران، از همان زمان روزنامه‌های جهان عرب فعالیتی پیگیر را در جهت نفو شناسایی اسرائیل توسط ایران آغاز کردند: در ۲۴ اردیبهشت گزارشی از اقدامات علمای «الازهر» برای جلوگیری از به‌رسمیت شناخته‌شدن اسرائیل توسط ایران در روزنامه «المصری» قاهره چاپ شد: «علمای الازهر بیانیه مفصلی برای ارسال به آیت‌الله کاشانی آماده کرده‌اند که در آن از اقدامات آیت‌الله کاشانی، رئیس روحی جمعیت فدائیان‌اسلام، در راه اسلام و مسلمین و در راه خدمت به میهن خود تمجید و قدردانی کرده‌اند و گفته‌اند که خدمات درخشان ایشان به اسلام و عربیت و نبردشان با استعمار و موقعیت ممتازی که در بین هم‌میهنان خود دارند و میل و رغبت کابینه‌های مختلف ایران در انجام تقاضاهای ایشان، الازهر را بر این واداشت که از او بخواهند و تقاضا کنند اقدامات صادقانه نماید که دولت ایران شناسایی اسرائیل را که در تمام کشورهای عربی، مخصوصا مصر تأثیر بسیار بدی داشته است، ملغی کند. علمای الازهر با خواهش انجام این تقاضا، معتقدند که این عمل در راه تحکیم روابط دوستانه بین ایران و دول اسلامی و عربی که به وحدت کلمه و اتحاد ملل عربی و اسلامی علاقه‌مندند، قدم مؤثری خواهد بود. علمای الازهر تصمیم دارند امروز این بیانیه را برای آقای آیت‌الله کاشانی ارسال دارند. همچنین از دانشجویان هیأت اعزامی اسلامی در الازهر هم بیانیه‌ای به همین مضمون به روزنامه المصری رسیده که آن را برای آیت‌الله کاشانی فرستاده‌اند».

در ۲۹ اردیبهشت در مقاله‌ای با نام «دولت‌های شرقی و اسلامی اعراب را نادیده گرفته‌اند و اسرائیل را شناخته‌اند» که در روزنامه «الندیر» حلب (سوریه) چاپ شد، سؤال شده: «آیا می توانیم از پیشوای ایران که تخت انگلستان را لرزانیده، امیوار باشیم که کاری کند تا ایران شناسایی خود را نسبت به دولت اسرائیل پس بگیرد؟»

نطق ضد اسرائیلی حسین مکی

در اوایل خرداد، حسین مکی، در نطقی در مجلس شورای ملی، به موضوع شناسایی اسرائیل در زمان محمد ساعد به‌شدت حمله کرد و انجام این عمل را فقط با دریافت رشوه از سوی نخست‌وزیر وقت (ساعد) امکان‌پذیر دانست. او در سخنان بسیار کوتاه خود گفت: «جبهه ملی از اول موافق نبوده و نیست».

براساس اسناد وزارت خارجه، سخنان مکی در مطبوعات سوریه انعکاس یافت. در مقاله «شناسایی دولت ایران از کشور اسرائیل» که در روزنامه «الفیحا» دمشق چاپ شد، آمده است: «هنگامی که در سال ۱۹۴۹ دولت ایران، اسرائیل را {به‌رسمیت } شناخت، ما هیچ شک نداشتیم که دست‌های بیگانه در کار است؛ زیرا روابط مشترک تاریخی و وحدت دین و علوم و ادبیات، مانع از آن بود که برادران ایرانی ما خودبه‌خود به اعراب شمشیر بکشند و با چنین کاری گذشته‌ای را که آن همه دانشمندان و فقهای ایران نقش عظیم در آن داشته و در ساختن کاخ تمدن عظیم اسلامی بار گرانی به دوش کشیده‌اند، فراموش کنند. ما از اینکه ترک‌ها اسرائیل را شناختند، هیچ تعجب نکردیم، زیرا همیشه چنین کارهایی را می‌کردند و آخرین آنها برگرداندن نهر «ججع» بود، ولی چون ایرانیان با عمل خود روابط کهن را نادیده گرفتند و آن کار را کردند، به عرب صدمه زیادی زدند. به این جهت است که از شنیدن سخنان آقای مکی که در پارلمان ایران گفت: شناسایی اسرائیل از طرف ایران با رشوه صورت پذیرفته، هیچ دچار شگفتی نشدیم و نیک می‌دانیم که در آن موقع هم، جبهه ملی که در رأس آنها دکتر مصدق بود، با این شناسایی مخالفت کرد».

روز هفتم خرداد، روزنامه «الحوادث» بغداد به نقل از تهران گزارش داد: «حسین مکی که به منزله دست راست دکتر مصدق می‌باشد، در مجلس شورای ملی اظهار کرده شناسایی دولت اسرائیل از طرف ایران در سال ۱۹۴۹ به وسیله‌دادن رشوه انجام شده و جبهه ملی در موقع خود با این شناسایی مخالفت کرده و هنوز هم با آن مخالف است». چند روز بعد روزنامه «الیقظه» بغداد در شماره مورخ ۱۳ خرداد خود از روحانیون عراقی خواست آنها هم به پیروی از علمای مصر، سوریه و لبنان به آیت‌الله کاشانی نامه‌ای در باب قطع روابط بین ایران و اسرائیل بنویسند. در ۲۵ خرداد، «جوانان مجاهد» بغداد نامه‌ای به آیت‌الله کاشانی نوشتند: «عموم ملت عراق با اختلاف طبقات، مندرجات عرایضی را که از کشورهای عربی و اسلامی دایر به قطع روابط بین دولت مسلمان ایران و دولت موهوم اسرائیل تقدیم حضور مبارک گردیده، تأیید می‌کنند. امروزه ایران مرکز خطرناکی برای جاسوسی علیه دولت‌های عربی شده است و حال آنکه دولت‌های مزبور اسرائیل را محاصره اقتصادی کرده تا به‌این وسیله آن را فقیر و بالآخره از پای درآوردند. شناسایی دولت یهود از طرف دولت مسلمان ایران ضربه مهلکی بر پیکر دولت اسلامی و عربی است، زیرا یهودیان از دیر زمان دشمنان حقیقی ما هستند و امروزه می‌خواهند «حجرالاسود» را به دریا افکنند و مرقد جدتان، پیغمبر (ص) را ویران کنند. بدین‌وسیله استدعا داریم نفوذ مذهبی و سیاسی خود را در نزد میهن‌پرست غیر تمند، دکتر مصدق، به‌کار ببندید تا هرگونه ارتباطی را بین ملت مسلمان ایران و یهودیان قطع کنند. ملت عراق با کمال بی‌صبری در انتظار اعمال درخشان شماست، اقدام فرمایید و خودداری نکنید. خداوند شما را در جهاد مقدس آزادی ایران مسلمان و رفاه آن موفق فرماید».

در همان زمان در روزنامه «الشرق» بیروت گزارشی از فعالیت سیاسی ایران در بین ملل عرب برای یافتن همکاری در مبارزه با انگلیس چاپ شد. براساس این گزارش «دولت ایران یلاداشتی به دبیرخانه «لیگ عرب» جامعه عرب و نیز به حکومت‌های جامعه عرب به‌صورت جداگانه ارسال کرده است و راجع به وخیم‌شدن وضعیت بین ایران و انگلستان سؤال کرده‌اند دولت ایران اعتقاد دارد از واجبات دول شرقی است که همدیگر را برای تأمین مصالح، پشتیبانی و کمک نمایند و از دست زورگویان و مستعمران نجات دهند».

زمینه‌چینی برای قطع رابطه

چندی بعد در روزنامه «الهدی» سوریه نیز گزارشی از ارسال نامه از سوی آیت‌الله کاشانی به افرادی در سوریه، چاپ شد. در ابتدای این گزارش از اقدام ایران در قطع رابطه با اسرائیل سپاسگزاری شده و سپس درباره نامه کاشانی آمده است: «به‌عون‌الله موفق شده و چاه‌های نفت را تصرف کرده‌ایم. وقتی روح ملتی چنین وضعی را پیدا کند، دیگر پس نمی‌نشیند و شایسته است که ما از چنین روحیه‌ای پیروی کنیم و دست‌هایی را که

الازهر و آیت الله کاشانی

گلولی ما را می‌فشارند، دور سازیم و شرابین حیاتی خود را در اختیار بگیریم.» آقای کاشانی در پایان نامه از مردم سوریه تشکر کرده‌اند.

محمود طاهراحمدی در فصل‌نامه «گنجینه» اسناد در مقاله اسنادی پراکنده از نهضت ملی‌شدن نفت ایران می‌نویسد: «محمدامین الحسینی»، مفتی فلسطین، در نامه‌ای به دکتر مصدق ضمن اعلام تهنیت به مناسبت پیروزی عظیمی که به دست دکتر مصدق به انجام رسیده است، نوشت: «هیأت‌های اسلامی به پا خواسته «رجال الازهرشریف»، «شبان‌المسلمین»، «اخوان‌المسلمین»، «هدایت اسلامیة»، «جماعت شباب محمد» و «اتحاد گروه‌های اسلامی»، شما را در مبارزه نیکوی خود، تأیید می‌کنند». مصدق نیز پاسخ داد: «ملت ایران در این قدم خطیری که برداشته است، خیلی احتیاج به ادعیه عموم مسلمانان و مخصوصا به دعای آن جناب دارد».

حدود یک هفته بعد روزنامه عراقی «النصر» خبری با این عنوان چاپ شد: «آیا ایران نماینده خود را از تل‌آویو خواهد خواست؟» و در ادامه آن نوشته شده بود: «از منبع موثقی خبر یافته‌ایم که دولت ایران در نظر دارد آقای صفی‌نیا، نماینده سیاسی خود در تل‌آویو را که پس از شناسایی اسرائیل به آنجا فرستاده بود، فراخواند تا روابط میان ایران و دولت‌های اسلامی و عرب محکم‌تر شود و در موقعی که دولت ایران ناچار از مراجعه به شورای امنیت[درباره اختلاف با دولت انگلیس به‌دلیل ملی‌شدن نفت] باشد، موافقان بیشتری به دست آورد».

در همان روز خبرنگار ویژه «رویتر» و «الاهرام» از تهران گزارش داد: «به فراری که از محافل سیاسی اینجا آگاهی یافته‌ایم انتظار می‌رود ایران شناسایی خود را نسبت به اسرائیل ملغی کند تا چنانچه دولت ایران بخواهد در باب [نفت] به شورای امنیت مراجعه نماید، از تأیید دول عربی اطمینان داشته باشد. در محافل نامبرده اظهار می‌شود که انتظار می‌رود آقای «کاضمی»، وزیر امور خارجه، لایحه قانونی راجع به الغای شناسایی اسرائیل را تقدیم مجلس شورای ملی نماید. اخیرا اخباری انتشار یافته بود دایر به اینکه عده‌ای از دول اسلامی به ایران اشعار داشته بودند که درصورت الغای شناسایی اسرائیل، نظر ایران را در سازمان ملل متحد تأیید خواهند کرد. یکی از منابع مطلع ایران اظهار کرده است که دولت ایران قریبا آقای رضا صفی‌نیا، نماینده خود در اسرائیل را احضار خواهد کرد و این نخستین قدمی است که دولت ایران در راه الغای شناسایی اسرائیل خواهد برداشت و بدین وسیله احساسات نیکوی خود را نسبت به دول عربی ثابت خواهد کرد. به قرار معلوم دولت ایران پس از احضار نماینده سیاسی خود در اسرائیل، وزیر مختار خود در اردن را مأمور حفظ حقوق اتباع ایران در اسرائیل خواهد نمود که عده آنها اکنون بیش از ۳۰۰ نفر نیست».

عدم شناسایی یا مشکلات مالی

تا اینکه سرانجام در صبح روز شانزدهم تیر در جلسه مجلس شورای ملی، «باقر کاضمی» وزیر امور خارجه، اعلام کرد: «عرض کنم به جهت اینکه دولت ایران دیروز تصمیم خودش را اجرا کرد و ژنرال کنسولگری که در بیت‌المقدس بود را منحل کرده و رسیدگی به کار آنها را به سفارت [ایران در امان] محول کرد. از این طرف هم دولت مصمم نیست راجع به شناسایی رسمی اسرائیل اقدام دیگری کند و نماینده‌ای هم از اسرائیل در ایران قبول نکرده و نخواهد کرد».

امابراساس اعلامیه رسمی دولت ایران، تصمیم‌به‌انحلال کنسولگری ایران در بیت‌المقدس، به دلیل مشکلات مالی اتخاذ شده بود، زیرا وزارت امور خارجه به‌دلیل کاهش منابع اساسی عایدات ایران همچون نفت و به‌منظور صرفه‌جویی ارزی و اقتصادی، به انحلال پاره‌ای از سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج مبادرت ورزید. همان روز، دستور تلگرافی انحلال کنسولگری به بیت‌المقدس ارسال شد و کارمند کنسولگری به سرعت سر کنسولی را تعطیل کرد و روز بعد هم به مراجعان و خبرنگاران جراید و نماینده وزارت خارجه اسرائیل موضوع گفته شد.

در هفدهم تیر، رویترز گزارش داد: «سخنگوی وزارت امور خارجه ایران امروز اعلام داشته که به کنسول ایران در اسرائیل دستور داده شده کنسولگری ایران در آنجا را منحل

کند. ناظران سیاسی معتقدند این اقدام، قدم اولی است که دولت ایران در راه الغای شناسایی دفاکتو اسرائیل برداشته و بعد از آن در نظر دارد راجع به اختلاف مربوط به نفت به سازمان ملل شکایت کند. ناظران در تهران معتقدند که الغای شناسایی اسرائیل برای جلب تأیید دول عربی بوده است».

در همان زمان «محسن المؤمن»، خبرنگار روزنامه المصری، مصاحبه مفصلی با آیت‌الله کاشانی کرد. در بخشی از این مصاحبه، کاشانی در پاسخ به سؤالی راجع به خطرناک‌بودن وجود اسرائیل برای ایران و عالم اسلام، گفت: «به نظر من خطر سیاسی و جنگی برای ایران ندارد ولی نسبت به کشورهای اسلامی – عربی خطر زیادی دارد و وجود این دولت پوشالی به منزله زخم‌هایی است که روی دول اسلامی را زشت کرده و جز با عمل جراحی نمی‌توان آثار این زخم‌ها را از بین برد».

تا اواخر دی ۱۳۳۰ امور مربوط به ایرانیان در اسرائیل به سفارت ایران در ترکیه ارجاع داده می‌شد. در واقع تا پایان دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، کمافی‌السابق روابط ایران و اسرائیل از طریق سفارتخانه‌های دو کشور در ترکیه ادامه یافت.

پس از سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق در دوران محمدرضاشاه مناسبات میان ایران و اسرائیل از سر گرفته شد و مثیر عزری، به‌عنوان نخستین سفیر سیاسی اسرائیل به ایران آمد.

منبع :روزنامه شرق

ویژه‌نامه آیت‌الله کاشانی در

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی

متن کامل مطالب مجله تاریخ و فرهنگ معاصر جلد ۷- ۶ که ویژه آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت بوده است در سایت مرکز بررسی‌های اسلامی به آدرس: www.iscq.ir و در صفحه ویژه آیت‌الله کاشانی قرار گرفته است. عناوین این مطالب عبارتند از:

- * نهضت های اسلامی و اصلاحی
- * اسلام مذهب صلح و آشتی است (آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی)
- * مجاهدات آیت الله کاشانی (اکبر هاشمی رفسنجانی)
- * آیت الله کاشانی در پیشگاه قضاوت تاریخ
- * ابرمرد جهاد و اجتهاد آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی (محمد شریف رازی)
- * مبارزات آیت الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت
- * آیت الله کاشانی و مسأله فلسطین (دکتر مدنی)
- * اصل تفکیک قوا، بحران سیاسی دی ماه سال ۱۳۳۱ در ایران (دکتر محمود کاشانی)
- * آیت الله کاشانی و نامه مهندس حسینی (مجاهد)
- * سند شناسی نامه آیت الله کاشانی به دکتر مصدی (دکتر حسن سالمی)
- * نگاهی به اسناد سری انگلیس در مورد آیت الله کاشانی (سید هادی خسروشاهی)
- * گزیده ای از اسناد منتشر نشده آیت الله کاشانی
- * آیت الله کاشانی و توطئه کشف حجاب
- * توصیه ای درباره زرتشتی ها (محمد ترکمان)
- * روابط آیت الله بروجردی با آیت الله کاشانی
- * روابط امام خمینی وآیت الله کاشانی
- * آیت‌الله کاشانی و علامه شرف‌الدین (محمدرضا حکیمی)
- * چگونگی روابط دکتر مصدق و آیت الله کاشانی
- * ایران بر روی کوه آتشفشان! (محمد حسنین هیکل)
- * نامه شهید سید قطب تقدیم به آیت الله کاشانی
- * آیت الله کاشانی و انگلیسی ها
- * طرح اعدام آیت الله کاشانی توسط ندرسن، شوارتسکف، (اشرف پهلوی، حسین مکی)
- * آیت الله کاشانی در زندان متفقین (دکتر شروین)
- * چند دیدار با آیت الله کاشانی (علی حجتی کرمانی)
- * چند خاطره از چند دیدار (سید هادی خسروشاهی)
- * حزب توده و آیت‌الله کاشانی ودکتر مصدق(احسان طبری)
- * آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی آن طور که من شناختم (جعفر رائد)
- * توصیه‌های آیت‌الله کاشانی(دکتر شمس‌الدین امیرعلائی)
- * نقش آیت الله کاشانی در انقلاب عراق
- * تصمیم ملت برای ملی کردن صنعت نفت

کتابخانه با ۲۲ پرسنل در بخش های گوناگون در دو شیفت به صورت پیوسته از ۷ صبح تا ۹ شب به مراجعه کنندگان خدمات رسانی می کند.

این کارشناس کتاب با بیان این مطلب که این کتابخانه به دلیل شرایط خاص، مختص برادران است، خاطر نشان ساخت: عمده خدمات این کتابخانه مختص به طلاب است؛ اما تعداد زیادی از دانشجویان علوم انسانی نیز عضو این کتابخانه بوده از کتب حوزه علوم انسانی استفاده می کنند.

رجبیان یکی از بخش های موجود را بوفه کتابخانه عنوان کرد و گفت: در این بخش خدماتی از جمله سفارش غذا به مراجعه کنندگان ارائه می شود تا بتوانند با خیالی راحت به مطالعه و تحقیق بپردازند.

وی با اشاره به راه اندازی بخش مشاوره در کتابخانه آیت الله حائری(ره)، تصریح کرد: هدف از تأسیس این بخش، مشاوره و خدمات تحصیلی و پژوهشی به مراجعین کتابخانه در رشته های گوناگون حوزوی است که کار خود را با مشاوره علم اصول آغاز و هم اکنون در حوزه نسخ خطی نیز فعالیت خود را شروع کرده است.

مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه با اشاره به بخش پایان نامه های حوزوی، بیان داشت: در سال های اخیر علاوه بر پایان نامه های حوزوی، تلاش کردیم پایان نامه های خارج از کشور را در حوزه علوم اسلامی؛ علی الخصوص در موضوعات قرآنی و حدیثی گردآوری کرده و هم اکنون به صورت دیجیتال نگهداری می شود.

این کارشناس کتاب یکی از فعالیت های کتابخانه را بازنویسی فهرست نسخه های خطی عنوان کرد و ادامه داد: این کار در سال های گذشته توسط آیت الله استادی انجام شده بود؛ اما با توجه به اضافه شدن نسخ، نیاز جدید به بازنویسی پیدا شد که در این راستا با کارشناسی قرارداد همکاری امضا و نسخه های خطی مجددا در حال فهرست نویسی است. رجبیان افزود: همچنین در این کتابخانه نسخه های سنگی و سربی نفیس نیز وجود داشته و در حال فهرست نویسی است.

وی با اشاره به امضای تفاهم نامه کتابخانه مدرسه فیضیه با دو کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: از طریق این تفاهم نامه می توانیم همکاری و ارائه خدمات متقابل داشته باشیم.

با کتابخانه مرکزی حوزه بیشتر آشنا شویم؛

از مشاوره اصول فقه و نسخ خطی تا دسترسی به ۱۸۰ هزار جلد کتاب

طور همزمان را دارد.

مدیر کتابخانه آیت الله حائری با بیان این مطلب که این کتابخانه قریب به ۱۸ هزار عضو دارد، اظهار داشت: از این تعداد ۴ هزار و ۲۰۰ نفر عضو سالن محققین، هزار و ۵۰ نفر عضو بخش امانی و مابقی در بخش عمومی و تخصصی عضو می باشند.

این کارشناس کتاب یکی از بخش های این کتابخانه را بخش امانی عنوان کرد و گفت: ۴ هزار و ۴۰۰ کتاب در این بخش وجود دارد که اعضا می توانند این کتب را در اختیار گرفته و به خارج از کتابخانه منتقل کنند.

رجبیان با بیان این مطلب که کتابخانه مدرسه فیضیه یکی از پرمراجعه کننده ترین کتابخانه های کشور است، ابراز داشت: خدمات گسترده کمی و کیفی در این کتابخانه سبب شده که در برخی از اوقات، قریب به ۳ هزار و ۵۰۰ مراجعه کننده در طول روز داشته باشیم.

وی با اشاره به مخزن کتابخانه آیت الله حائری(ره)، خاطر نشان ساخت: این مخزن در طبقه دوم قرار داشته و کتاب های چاپی، سربی، سنگی و همچنین نشریات در آن قرار دارد؛ البته در کنار آن بخش فهرست نویسی را نیز قرار داده ایم که در آنجا مستقر می باشند.

مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه تصریح کرد: در این کتابخانه قریب به ۱۱ هزار جلد کتب چاپ سنگی وجود دارد که ما را جزو غنی ترین کتابخانه ها در این حوزه قرار داده است.

این کارشناس کتاب با بیان این مطلب که کتابخانه آیت الله حائری حاوی قریب به ۱۸۰ هزار جلد کتاب است، اظهار داشت: قریب به ۱۳۰ هزار جلد از این کتب در مخزن کتابخانه وجود داشته و مابقی در بخش های دیگر می باشند.

رجبیان افزود: با حمایت های خوب معاونت پژوهش حوزه های علمیه در سال های اخیر، کتابخانه موفق شده منابع چاپی خوبی را در حوزه علوم حوزوی و انسانی تهیه کرده و منابع موجود را به روز نماید.

وی یادآور شد: همچنین در سال های اخیر مطابق با مصوبه شورای عالی حوزه های علمیه، این کتابخانه به انضمام کتابخانه مسجد اعظم(کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی) به عنوان کتابخانه مرکزی حوزه های علمیه معرفی شده و به عنوان مهمترین کتابخانه های حوزوی سراسر کشور به حساب می آیند.

مدیر کتابخانه آیت الله حائری(ره) ابراز داشت: این

و حجت الاسلام والمسلمین ستوده مأمور به اداره آن شدند که پس از چند سال از سوی این دفتر به شورای عالی و سپس از سوی این شورا به مرکز مدیریت حوزه های علمیه واگذار شد و در حال حاضر با نظارت معاونت پژوهش حوزه های علمیه به کار خود ادامه و ریاست آن به همراه کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی (مسجد اعظم) به عهده حجت الاسلام والمسلمین عماد می باشد.

رجبیان با بیان این مطلب که کتابخانه علاوه بر مخزن چاپی و مخزن خطی، دارای دو بخش عمومی و تخصصی است، اظهار داشت: بخش عمومی دارای دو سالن مطالعه است که سالن نخست آن در همکف و به صورت قفسه باز به طلاب ارائه خدمات کرده که در آن قریب به ۹ هزار و ۸۰۰ جلد کتاب که عموماً از منابع حوزوی است، وجود دارد.

وی ادامه داد: در بخش عمومی، سالن دیگری در طبقه منهای ۱ وجود دارد که به صورت قفسه باز بوده و قریب به ۷ هزار و ۲۰۰ جلد کتاب که عمدتاً در رشته های علوم انسانی است در آن می باشد.

مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه با اشاره به استقرار بخش محققین در طبقه اول ساختمان کتابخانه، ابراز داشت: در این بخش ۲۵۰۰ جلد کتاب از کتب مرجع، مصادر و منابع اصلی تحقیق به صورت قفسه باز در اختیار محققین قرار داشته و در کنار آن، بخش پایان نامه های سطح ۳ و ۴ حوزوی قرار دارد که تقریباً ۲۴۰۰ پایان نامه در آن نگهداری می شود.

این کارشناس کتاب با اشاره به وجود بانک اطلاعات در این کتابخانه، خاطر نشان ساخت: قریب به ۴۰ سیستم کامپیوتری به مراجعه کنندگان، خدمات دیجیتالی همچون سرویس اینترنت، نرم افزارهای علوم اسلامی نور و ... ارائه می کند.

رجبیان با بیان این مطلب که این کتابخانه دارای ۲۶۰۰ نسخه خطی است، تصریح کرد: از تمام این نسخ تصویربرداری شده که مراجعه کنندگان در ابتدا تصویر کتاب مورد نظر را مشاهده و در صورت تأیید، فایل یا پرینت آن در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

وی ادامه داد: در بخشی از سالن محققین، نرم افزاری را از طریق کتابخانه ملی تهیه کردیم که حاوی هزاران نسخه خطی مربوط به آسیای میانه، ترکیه، کشورهای عربی و اسپانیا بوده و ظرفیت پاسخگویی به ۱۲۰ نفر به

حسن رجبیان در گفتگو با خبرنگاری «حوزه»، با اشاره به قدمت کتابخانه آیت الله حائری یزدی(کتابخانه مدرسه فیضیه) اظهار داشت: این کتابخانه قدیمی ترین کتابخانه شهر قم بوده که در سال ۱۳۰۹ شمسی از سوی مرجع عصر، مؤسس و زعیم حوزه علمیه قم حضرت آیت الله عبدالکریم حائری یزدی راه اندازی شده است. وی ادامه داد: پس از تأسیس حوزه علمیه قم، این نهاد مقدس نیاز به کتابخانه ای داشت تا طلاب و فضلا فعالیت های مطالعاتی و پژوهشی خود را در آن انجام دهند که با زحمات این عالم ربانی، این کتابخانه راه اندازی شد.

مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه با بیان این مطلب که این کتابخانه در روز ولادت حضرت زهرا(س) افتتاح شده است، ابراز داشت: کتابخانه فیضیه در ابتدا با اندکی کتاب فعالیت خود را آغاز و کم کم با حمایت مراجع و فضلا رونق گرفت و به تعداد کتب افزوده شد و در برهه ای از زمان به کتابخانه ای منحصر به فرد تبدیل و بعد از گذشت زمان، کتابخانه های دیگر قم تأسیس شدند. این کارشناس کتاب خاطر نشان ساخت: کتابخانه آیت الله حائری یزدی یکی از مهمترین مراکز است که مراجع، علما و بزرگان حوزه در آن پرورش یافته اند.

رجبیان تصریح کرد: در آن زمان، صاحب الدار به بروجردی از ناحیه آیت الله حائری یزدی به عنوان مسئول این کتابخانه انتخاب می شوند که بعد از فوت ایشان با فاصله زمان اندکی، مرحوم آیت الله مجتبی محمدی عراقی از سوی آیت الله بروجردی به این مسئولیت منصوب و تا سال ۱۳۸۰ شمسی سکان دار این کتابخانه بوده اند.

وی با اشاره به جایابی محل کتابخانه در سال ۱۳۸۰، بیان داشت: کتابخانه مدرسه فیضیه تا سال ۱۳۸۰ در طبقه فوقانی ضلع غربی این مدرسه مستقر بوده و پس از احساس نیاز شدید به توسعه آن، به ضلع شرقی منتقل و تعدادی از خانه های پشت مدرسه فیضیه خریداری و ساختمانی ۵ طبقه در ۷ هزار متر مربع از سوی آستان قدس رضوی ساخته شده است.

مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه ادامه داد: پس از توسعه ساختمانی کتابخانه، مجال برای گسترش کیفی، کمی منابع و خدمات فراهم و برنامه های مناسبی برای طلاب و فضلا به حالت اجرا در آمد.

این کارشناس کتاب یادآور شد: پس از فوت آیت الله عراقی، اداره کتابخانه به دفتر مقام معظم رهبری واگذار

دکتر صالحی امیری مطرح کرد: مجمع کتابخانه های بزرگ کشور

داریم آن را به دولت ارائه کنیم.

رئیس کتابخانه ملی گفت: ما نیازمند استانداردسازی نظام فهرست نویسی ثبت و نگهداری اسناد در کشور هستیم. الان ۳۲۶۰ کتابخانه در کشور وجود دارد که حدود ۷۰۰ باب از آنها کتابخانه های بزرگ محسوب می شوند و ما اخیراً مجمع کتابخانه های بزرگ را تشکیل داده ایم که هدف از آن ساماندهی امور کتابخانه های کشور است.

مشاور رئیس جمهور با بیان اینکه باید تبدیل به قانون شود که کتابخانه ملی در حوزه کتاب و سند مرجع استاندارد است، به وضعیت نامساعد تولید اسناد و نیز نگهداری از آنها در کشور اشاره و تأکید کرد: ما در یکی دو دهه آینده با این بحران مواجه می شویم که کشور قدرت دسترسی به اسناد خودش را نخواهد داشت. ما ۱۵ مرکز اسنادی بزرگ داریم که همه هم در حال نگهداری و انتشار اسناد هستند.

اینها باید یکپارچه شود. همچنین باید شورای عالی اسناد و شورای عالی کتابخانه در کشور تشکیل شود.

صالحی امیری با بیان اینکه اخیراً طرحی را کلید زده ام برای اینکه مشابه همین طرح تاریخ شفاهی را در استان ها و همچنین در وزارتخانه ها انجام دهیم، گفت: قرار شد سیر تحول دستگاه های مختلف و همچنین وزرا و معاونین و روسای دستگاه ها باید تدوین شود. اگر وزرا و معاونین بدانند در گذشته خودشان چه اتفاقاتی افتاده است، بهتر می توانند برنامه ریزی کنند. من نامه ای در این خصوص به آقای جهانگیری نوشته ام و قرار است در یکی از جلسات هیات دولت این موضوع را مطرح و پیگیری کنم.

در حال حاضر در دستگاه ها در زیرزمین های نور از بین می رود و به اینجا منتقل نمی شود. متأسفانه به عرض برسانم که اسناد بسیاری از جنگ هست که در بایگانی جهاد کشاورزی در حال نابودی است. ما در این خصوص نیازمند یک بازنگری اساسی هستیم. وی تأکید کرد: الان قوه قضائیه همکاری بسیار خوب و صمیمی با ما دارد و بسیاری از دستگاه ها هم با ما در این زمینه همکاری می کنند اما بعضی دستگاه ها همکاری لازم را ندارند. اسناد باید به اینجا منتقل شود تا ما آنها را به سند دیجیتال تبدیل کنیم و آن وقت نسخه دیجیتال آنها را به خود دستگاه ها می دهیم و اصلش را در آرشیو ملی نگهداری می کنیم.

مشاور رئیس جمهور همچنین گفت: الان ما در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دو مجموعه قوانین در خصوص اسناد و نیز کتابخانه ملی داریم که باید اینها بازنگری شود و در این خصوص یکپارچه سازی صورت گیرد.

صالحی امیری یادآور شد: مجلس باید دولت و به تبع آن سازمان ما را ملزم به دیجیتال سازی اسناد ملی کند؛ به طوری که همگان به آن دسترسی داشته باشند.

۹۸ درصد منابع فاقد طبقه بندی محرمانه و قابل انتشار است و تنها ۲ درصد ممکن است قابل انتشار نباشد. ما در این خصوص پیش نویسی را تهیه کرده ایم که آمادگی



تفاهم نامه همکاری داریم. همچنین با ایفلا، ایکا و یونسکو سه سازمان بین المللی در حوزه کتاب و کتابداری، اسناد و میراث مکتوب همکاری تنگاتنگ داریم. تا به امروز ۴۳ اثر را در سطح ملی و ۷ اثر را هم در سطح جهانی در حافظه جهانی یونسکو ثبت کرده ایم.

صالحی امیری خطاب به معاون حقوقی رئیس جمهور گفت: در حوزه نسخ خطی

هم ما نیازمند حمایت حقوقی هستیم. چون متأسفانه در حال حاضر بازار دلالی و تجارت بسیار سنگینی در حوزه نسخ خطی در کشور جریان دارد. این معضل باید یک سامان حقوقی پیدا کند. به گفته وی، پیش بینی می شود حدود نیم میلیون نسخه خطی در ایران و یک میلیون نسخه خطی کشور هم در کشورهای مانند هند و پاکستان نگهداری شود. در داخل کشور تا به حال ۲۳۰ هزار عدد از این نسخ خطی که نزد مردم است، شناسایی شده اند.

رئیس کتابخانه ملی افزود: ما دو نیاز حقوقی داریم؛ اولاً قانون مصوب مجلس درباره اسناد در خصوص واگذاری اسناد دستگاه ها به آرشیو ملی وجود دارد و مشخص است و همه دولت ها هم آن را به دستگاه های اجرایی خودشان ابلاغ می کنند اما دروغ از اجرای این قانون.

صالحی امیری گفت: متأسفانه اسناد ملی این کشور

مشاور رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت: متأسفانه یک بازار دلالی و تجارت بسیار سنگین در حوزه نسخ خطی در کشور جریان دارد.

نشست مشترک معاون حقوقی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با حضور الهام امین زاده معاون حقوقی رئیس جمهور و سیدرضا صالحی امیری رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در محل این سازمان برگزار شد.

صالحی امیری در ابتدای این جلسه با ارائه گزارشی از وضعیت فعلی سازمان متبوعش، گفت: مجموعه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۱۳۰۰ کارمند دارد که مدرک تحصیلی بالاتر از ۷۰ درصد از آنها لیسانس به بالا است. وی افزود: مطابق برنامه ۵ ساله ای که همکاران من تدوین کرده اند، برآورد شده است که برای تهیه زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری، جهت دیجیتال سازی اسناد ملی، سالی ۲۰ میلیارد تومان نیاز است که رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی برای کمک در جهت تأمین این اعتبار، قول مساعد داده است.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اضافه کرد: خوشبختانه کار دیجیتال سازی اسناد ملی با نصب اولین دستگاه در آرشیو ملی ایران آغاز شده که در هر ثانیه یک برگ سند را به سند دیجیتال تبدیل می کند و طبق گفته کارشناسان، این ظرفیت می تواند به زودی تا ۳ برابر افزایش پیدا کند.

مشاور رئیس جمهور ادامه داد: ما با بیش از ۵۰ کشور

مقدمه:

آنچه می‌خوانید متن گفت‌وگوی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمد مبلنی است. با ایشان درباره گفت‌وگو و اهمیت آن و سلوک گفت‌وگویی امام صدر و خاستگاه این رویکرد وی صحبت کردیم.

درباره اهمیت گفت‌وگو زیاد بحث شده است. حتی برخی آن را پایه تمدن بشری دانسته‌اند. شما برای مفهوم گفت‌وگو چه جایگاهی در سازندگی تمدن انسانی قائل هستید؟

گفت‌وگو خصلتی نهادینه در انسان است که از روز اول آفرینش به جریان افتاد و بعدها که جامعه تشکیل شد، ابعاد بیشتری پیدا کرد. این خصلت آنچنان با ذات انسان سرشته شده که براساس روایاتی که داریم حتی در فضای برزخی هم جریان دارد. نصوص بسیاری حاکی از این است که در فضای برزخی هم بین ارواح، گفت‌وگوهایی در جریان است. گفت‌وگو آنچنان ذاتی انسان است که در روز قیامت هم با وجود اینکه بین انسان‌ها ارتباط اجتماعی برقرار نیست و به تعبیر قرآن انسان «فردا» محسوس می‌شود ولی گفت‌وگو که خصلتی ذاتی برای انسان است و عمدتاً در ساخت اجتماع معنا پیدا می‌کند، آن زمان بین انسان و خدا جریان پیدا می‌کند. این نشان می‌دهد که این ویژگی ریشه‌دار و فطری است و مختص انسان است و انسان از این طریق، نشاط و حیات و بودن و هویت خودش را شکل می‌دهد. گفت‌وگو اصولاً نقش مهمی در فعالیت انسانی برعهده دارد. اگر بپذیریم که گفت‌وگو در عین حال که یک امر جدانشدنی از ذات انسان است، می‌تواند دارای کارکرد هم باشد و این کارکرد دارای جنبه‌های مختلفی است، اهمیت گفت‌وگو برای ما بیشتر روشن می‌شود. کارکردهایی که برای گفت‌وگو وجود دارد یکی اینکه دو انسان و دو مجموعه را به هم نزدیک می‌کند. یعنی خود گفت‌وگو اصولاً نقش نزدیک‌ساز دارد حتی اگر به راه‌حلی نرسند. چون گفت‌وگو با دیگری مبتنی بر پذیرش دیگری است. خود این عمل که گفت‌وگو می‌کنید یعنی من تو را می‌پذیرم و به رسمیت می‌شناسم. یعنی شما برای گفت‌وگو، ارزش و اعتبار ذاتی و فی‌نفسه قائل هستید؟

فقدان گفت‌وگو، خاستگاهی برای سوءظن می‌شود. بنابراین، گفت‌وگو فی‌نفسه مهم است. حال اگر محتوای گفت‌وگو سازنده باشد و اصولی در گفت‌وگو رعایت شود، آثار سازنده آن بیشتر می‌شود. برای مثال اگر در گفت‌وگو بر امر مورد قبول دو طرف تأکید شود و به سمت رسیدن به نقطه‌ای برود که تأمین‌کننده دیدگاه و خواست دو طرف باشد، تأثیر بیشتری دارد. گفت‌وگو ممکن است متضمن راه‌حلی باشد. ممکن است به توافق طرفین بینجامد. اگر گفت‌وگو برای حل مسأله‌ای علمی باشد، در صورت وجود انصاف و تکیه بر امر مشترک یا مشترکات می‌تواند چهره جهل را از آنچه تا آن زمان مجهول بوده برطرف کند و توافق علمی را، ولو در ابعادی، حاصل کند. گاهی از اوقات هم توافق، علمی نیست بلکه احساسی است. وقتی با کسی گفت‌وگو می‌کنید و سعی می‌کنید نسبت به او انصاف داشته باشید، و خوبی‌ها و نکات مثبت طرف مقابل را نادیده نگیرید، باعث می‌شود او هم در همان زمان دچار احساس انسانی شود و هر دو بر راه‌حلی توافق کنید. گفت‌وگو اصولاً هم فی‌ذاته اهمیت دارد و کارساز است و هم اگر محتوا و مضمون آن درست و صحیح و عقلانی باشد و بر پایه یکسری اصول استوار باشد می‌تواند تأثیرگذار باشد.

وقتی از گفت‌وگو صحبت می‌کنیم دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنیم؟ به عبارت دیگر چه نوع حرف‌زدنی را می‌توان گفت‌وگو به‌شمار آورد؟

در مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین مبلنی بررسی شد:

ویژگی‌های «گفت‌وگو» در اندیشه و سیره امام موسی صدر

ببیند. وگرنه گفت‌وگو راه به جایی نمی‌برد. گاهی نگاه سطحی متوجه گفت‌وگو است. برخی خیال می‌کنند گفت‌وگو یعنی ما حرفی بزنیم و صحبتی کنیم و تمام شود. در حالی که گفت‌وگو به‌عنوان یک امر مستمر در حال تزاید و تصاعد و مورد پذیرش و ضرورتاً امر اول جوامع برای مقابله و مواجهه با یکدیگر است. اگر این‌طور به گفت‌وگو نگاه کردیم طبیعتاً می‌توانیم تأثیرگذار باشیم. نکته دیگر این است که قرآینی در کلمات امام موسی صدر و در سیره ایشان است که ادیان، ممکن است در بعضی موارد قالب‌های مختلفی داشته باشند اما کارکردهای مشترکشان می‌تواند برای ما مهم باشد و با هم گفت‌وگو کنیم تا آن کارکرد مشترک را ایجاد کنیم. اتفاقاً این نگاه، در بعضی شخصیت‌های فیلسوف ما در گذشته هم وجود دارد.

اگر بخواهیم شخصیتی را مثال بزنیم، صدرالمآلهین است. صدرالمآلهین در ارتباط با آن آیه که می‌گوید استعینوا بالصبر و الصلاه و مفسران گفته‌اند که صبر روزه است و صلاه نماز است و طبعاً خطاب استعینوا به مسلمان‌هاست. چون صوم و صلاه را ما داریم، می‌گویید ضرورتی ندارد که مخاطب را مسلمان‌ها بگیریم، اهل کتاب هم صوم و صلاه دارند. آنها هم به صوم و صلاتشان برای فایده آمدن بر مشکلات استعانت می‌ورزند پس این آیه خطاب به آنها هم می‌تواند باشد. ایشان یک گام جلوتر هم می‌رود و می‌گوید باز ضرورتی ندارد مخاطب را اهل کتاب بگیریم. ممکن است انسان‌ها باشند، انسان‌هایی که خدا را به هر حال قبول دارند، صلاه پیش آن‌ها دعاست. صوم هم تحمیلی است که در برابر مشکلات دارند. لذا این آیه را آیه‌ای با مخاطب انسانی تعریف می‌کند. این همان کارکرد ادیان مختلف یا کارکرد معنویت در جوامع بشری است که نقطه اشتراک همه ادیان است. امام موسی صدر هم چنین نگاهی داشت.

یعنی شما می‌فرمایید تمایز مدل گفت‌وگویی امام موسی صدر با دیگران، نتیجه نگرش و رویکرد ایشان به دین است؟

بله. امام موسی صدر کسی نبود که منبعی غیر از دین برای دیدگاه‌ها و دریافت دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های اجتماعی پیدا کند. امام موسی صدر یک عالم بود و دین را این‌طور شناخته بود. نگاه او به دین نگاه اجتماعی گسترده‌ای بود و نگاه او به ادیان، نگاه برش دادن و تقابل نبود. او به آیات اجتماعی و آیات مربوط به ادیان و جنبه‌های انسانی که در آیات متبلور است بسیار بها می‌داد. در کمتر سخنرانی است که به جنبه‌های اجتماعی نپرداخته باشد و جنبه‌های اجتماعی را به صورت کلان ندیده باشد و نوعی نگاه رصدکننده به روابط مسلمان با غیرمسلمان و انسان با انسان در کلامش ایجاد نشده باشد. ایشان شخصیتی است که نه تنها می‌شود از گفت‌وگویی او الگو گرفت، حتی می‌شود پیش‌فرض‌های اجتماعی را گرفت و تبدیل به نظریه کرد. اصولاً ما در ارتباط با نگاه‌مان به جامعه، دچار ضعف‌های مفراطی هستیم و از همین‌جا هم ضربه‌های هولناک و آسیب‌های کلانی متوجه ما شده و مادامی هم که نگاه‌های اجتماعی ما، نگاه‌های انسانی اجتماعی ما از خاستگاه دین، تصحیح نشود تلاش کردن در خیلی از موارد راه به جایی نمی‌برد. نگاه ما به جامعه، به ماهیت جامعه و به حدود و مناسبات جامعه از خاستگاه دین باید بشدت تنظیم شود و در قالب تئوری‌های شفاف قابل دفاعی ظهور و بروز پیدا کند. به نظر من این نگاه اجتماعی در کلمات امام موسی صدر که در بعضی از سخنرانی‌ها یا نوشته‌های ایشان متبلور است موج می‌زند.

برخی معتقدند که لازمه گفت‌وگو پذیرش نوعی تکثرگرایی است. آیا این نوع تکثرگرایی برای جامعه دینی مشکل ایجاد نمی‌کند؟

در ارتباط با رابطه انسان با انسان و ارزش‌های انسانی دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه این است که همه ارزش‌ها انحصاراً بر زبان شرع منعکس شده و شرع ارائه‌دهنده آن است و جای دیگری نرود

ادامه در صفحه بعد

ما در قرآن داریم که «تعالوا لی کلمه سواء». این یک دستور به گفت‌وگو است. یعنی این حقیقت در کار است که بین مسلمان و اهل کتاب، یک نقطه برابر و مشترک و یک کلمه سوا وجود دارد. آخرین خصلت در یک شخصیت الگو این است که باید شجاعت و ابتکار ورود در صحنه‌ها را داشته باشد و بتواند نمونه‌هایی خوب با تأثیرگذاری‌های خوب ایجاد کند.

چنین انسانی الگوست. حقیقتاً کم هستند کسانی که واجد این خصلت‌ها باشند. به نظر من، امام موسی صدر، شخصیتی است که واجد این چهار خصلت است.

ویژگی تفسیر ایشان از مقوله گفت‌وگو چیست که او را یکی از الگوهای این عرصه می‌دانید؟

نگاه امام موسی صدر به گفت‌وگو، مباحثه‌ای بین طلبه‌ها نبود. بلکه به گفت‌وگوی اجتماعی معتقدتر بودند و گفت‌وگوی اجتماعی را هم در سطوح جدیدی به‌صورت عالی رقم زدند. چون حقیقتاً بین شیعه و سنی گفت‌وگوی فعالی را راه‌انداختند و فراتر از آن، گفت‌وگوی بین ادیان و حتی، بین انسان‌ها را. نشانه‌هایی از این نگاه ایشان در دست است و از بعضی از کلمات ایشان به دست می‌آید. اگر نگوییم چنین افرادی گاهی خیلی نادر هستند، باید بگوییم اندک هستند. دیگر اینکه ایشان ذهنیت انسانی داشتند یعنی از گفت‌وگو، مقصود انحصار طلبانه‌ای نداشتند. امام موسی صدر صاحب ابتکار هم بودند یعنی کسی نبودند که فقط تئوری گفت‌وگو را ارائه دهد. بلکه این تئوری را در عمل بیشتر بروز و ظهور داده بودند. در گفت‌وگو‌هایی که می‌کردند، به قلب فضاهای اجتماعی نفوذ می‌کردند و چون در کارشان صدق بود، مقبولیت هم متوجه‌شان بود. بر این اساس، شخصیت امام موسی صدر باید شخصیتی ممتاز و استثنایی تلقی شود که حقاً الگوی گفت‌وگو بود.

گفتید که تعریف گفت‌وگو برای امام موسی صدر، گفت‌وگو و مباحثه بین طلبه‌ها نبود. این نکته ظریفی است. تعبیری که از سخن شما استنباط می‌شود این است که گفت‌وگو فقط حرف زدن نیست اگر گفت‌وگو همان حرف زدن با دیگری نیست، پس دقیقاً چیست؟

امام موسی صدر، برای ادیان یک کارکرد مشترک حداقلی قائل بود و تفاوت ادیان را تفاوت از سنخ تباری کامل نمی‌دید. بلکه از حیث سعه و ضیق و یا کم و زیاد بودن می‌دید. لذا، اختلاف ادیان را بیشتر در این می‌دید. دوم اینکه از نظر ایشان، حقیقت ایجاد معنویت جزو مشترکات ادیان هست و ایجاد معنویت در جامعه یک امر اصلی دارای اصالت و مهم و حداقلی است که باید در جامعه انسانی ایجاد شود. سوم با مطالعه کلمات ایشان می‌توان به‌دست آورد که ایشان معتقد بود که با مشارکت ادیان می‌توان به معنویت حداقلی در سطح کلان اجتماعی جهان دست یافت و بدون این همکاری اصلاً چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. یعنی ما وقتی گفت‌وگو می‌کنیم، منت بر طرف گفت‌وگو نمی‌گذاریم بلکه به او نیاز داریم، همان‌طور که او هم به ما نیاز دارد. یعنی جامعه انسانی را جامعه پیچیده و مرتبطی می‌دید. اصل دیگری که ایشان معتقد بود تلاش برای ایجاد معنویت در جامعه با مشارکت ادیان یا تلاش برای استقرار بخشی از ارزش‌های اسلام با مشارکت مذاهب هیچ منافاتی با فعالیت‌های اختصاصی هر مذهب در فضاهای خاص و اختصاصی خود ندارد. این هم نگاهی بود که به نظر من در امام موسی صدر وجود داشت.

احتیاطاً منظور تان این است که اگر حرف زدن با دیگری، برخوردار از عامل «تأثیر و اثرگذاری» باشد می‌توان اسمش را گفت‌وگو گذاشت. درست است؟

انسانی می‌تواند اهل گفت‌وگو به معنای سازنده و انسانی و تأثیرگذار باشد که جامعه را بشناسد و گفت‌وگو را یک خصلت فعال برای انسان اجتماعی

قالب گفت‌وگو باید قالبی به دور از مجادله و لجاجت باشد. در حقیقت، اخلاق گفت‌وگو قالب آرام، انسانی و کاملاً همراه با ادب را شامل می‌شود.

نکته مهم راجع به گفت‌وگو این است که گفت‌وگو با چه کسانی صورت می‌گیرد؟ گفت‌وگو همیشه با کسی باید انجام گیرد که با او در نقطه یا نقاطی اشتراک نظر داشته باشید. چون مادامی که

اصول مشترک یا مبنای پذیرفته شده مشترکی در کار نباشد، گفت‌وگو کردن بی‌ثمر و بی‌فایده است. و از آنجا که انسان‌ها اصولاً نقاط مشترکی را فی‌مابین خود دارند، اسلام، گفت‌وگو با هر انسانی را تجویز می‌کند. خود این منطق نشان می‌دهد که هیچ‌گاه اسلام، نگاه خشکی ندارد و معتقد است که همواره بین دو مجموعه، دو گروه و دو نفر، اصول مشترکی در کار است و با گفت‌وگو باید به نتایج مفیدی دست یافت. پس دامنه گفت‌وگو محدود به مجموعه‌ای مشخص نیست و اسلام گفت‌وگو را به‌صورت مطلق پذیرفته است. مگر اینکه کسی یا طرفی بخواهد از گفت‌وگو فرصت سوئی را استفاده کند که به شکل مقطعی و موردی، گفت‌وگو نکردن مجاز است. در غیر این صورت به‌صورت عام و مطلق و یک اصل اساسی، اسلام گفت‌وگو را عامل سازنده فعالیت انسانی می‌بیند و نه تنها قیدی بر گفت‌وگو نروده که گفت‌وگو را به صورت گسترده مورد تشویق و ترغیب قرار داده است.

اگر گفت‌وگو را عامل سازنده فعالیت بشری بدانیم به نحوی که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد، می‌توان ادعا کرد که امروز جوامع اسلامی از خلأ گفت‌وگو رنج می‌برند. فکر می‌کنید گفت‌وگو چقدر در ترمیم فضاهای ارتباطی و بهتر شدن وضعیت جوامع اسلامی اهمیت داشته باشد؟

این موضوع از دو جهت اهمیت دارد. یکی اینکه فقدان گفت‌وگو اصولاً خاستگاهی است برای پیدایش نگاه‌های منفی و ناهنجاری‌ها و سوءظن‌ها و از دست دادن فرصت‌ها. و ایجاد گفت‌وگو افزون بر اینکه خط بطلان و تلاشی مؤثر در جهت از بین بردن آن خاستگاه است، ایجاد خاستگاه جدیدی برای پویایی و موفقیت و سالم‌سازی جامعه‌ای است که انسان‌ها همیشه در آن اختلاف نظر دارند و درگیری‌هایی وجود دارد یا سوءظن‌هایی در کار است. یکی از مشکلات ما مسلمان‌ها در این است که باوجود اینکه دستور اسلام از آغاز متمرکز بر گفت‌وگو بوده و سیره اولیای ما هم بر گفت‌وگو متمرکز بوده است و تأکید زیادی بر گفت‌وگو داشتند، ما این ابزار نیرومند و قدرتمند و بشدت انسانی و اخلاقی را در وضعیت ضعیفی قرار دادیم و از پتانسیل آن چندان که باید استفاده نکرده‌ایم.

باید اذعان کرد که تحقق فرهنگ گفت‌وگو نیازمند یک الگوست. این الگوها چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

کسی می‌تواند الگو باشد که واجد چند خصلت باشد: یکی اینکه دامنه گفت‌وگو‌هایش بسیار گسترده باشد. صرفاً در فضای مذهب به گفت‌وگو نپردازد بلکه فراتر از مذهب خود با مذاهب دیگر هم وارد گفت‌وگو شود. حتی فراتر از آن، در فضای انسانی و ادیبانی وارد گفت‌وگو شود. خصلت دومی که در یک الگوی گفت‌وگو باید وجود داشته باشد این است که فرد باید اخلاق گفت‌وگو را رعایت کند. صرف اقدام به گفت‌وگو کافی نیست. ملزم بودن به جوانب اخلاقی و انسانی گفت‌وگو بسیار مهم و لازم است و اصولاً گفت‌وگویی غیر اخلاقی، تولید بداخلاقی می‌کند. سومین خصلتی که می‌تواند از فردی الگوی گفت‌وگو بسازد این است که مضامین گفت‌وگویی و مضامینی باشد که برآمده از سر دلسوزی باشد و پیش‌فرض‌های درستی را نسبت به جامعه داشته باشد. با گفت‌وگو نخواهد همه چیز را به نفع خود و گروهش صادره کند و نوعی استفاده به نفع خود را به شکل مطلق به انجام برساند و اصولاً قائل به اصل وحدت باشد. یعنی نوعی وحدت با طرف مقابل را پذیرفته باشد.

در همیشه باز به روی اهل علم

دکتر مهدی محقق



من شخص مرحوم «حاج حسین آقا ملک» را یک بار بیشتر - در حدود اواسط دهه ۱۳۳۰ - ندیدم و آن هم فکر می‌کنم که در مشهد، در مجلس فاتحه مادر مرحوم سیدجلال الدین تهرانی بود.

سیدجلال الدین تهرانی در آستان قدس رضوی بودند و مادرشان فوت کرده بود. در آن مجلس، شخص حاج حسین آقا ملک را دیدم. البته پیش از آن با مرحوم پدر من در ارتباط بوده‌اند. چون پدر من از وعظ درجه یک مشهد بودند. ولی من به کتابخانه ایشان در بازار حلبی‌سازهای قدیم تهران می‌رفتم، چه در زمانی که دکتر صادق کیا آنجا بود، چه زمانی که عبدالحمید مولوی آنجا بود، به کتابخانه رفت و آمد داشتیم.

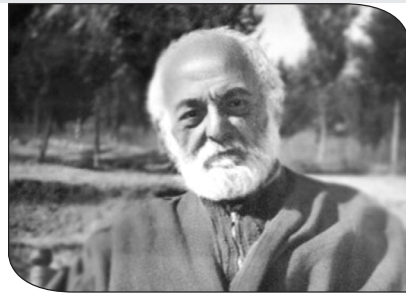
حاج حسین آقا، اولاً علم‌دوست بود، فقط به قول فرنگی‌ها کلکسیونر نبود که کتاب جمع کند. کتاب‌ها را خودش هم می‌خواند و حتی بعضی از کتاب‌ها را به خط خودش استنساخ کرده بودند. حتی نسخه کاملی از یک دیوان شعر - که خاطر من نیست برای کدام شاعر است - را خودش استنساخ کرده‌اند.

جمع‌آوری این کتاب‌ها و به آسانی در اختیار استفاده‌کنندگان گذاشتن، خدمت بزرگی به فرهنگ این مملکت بوده است. این است که نام نیک ایشان همیشه باقی خواهد ماند. ولی همیشه کسانی که کتابخانه ملک را اداره می‌کردند، سماحتی داشتند. از مرحوم سیدمحمدتقی مدرس رضوی که استاد دانشگاه بودند شنیدم که از مجموعه کتابخانه مرحوم حاج حسین آقا خیلی استفاده می‌کردند. می‌گفتند زمانی گفتند کتابخانه به دلیل اینکه بنایی و تعمیرات دارند بسته است. بعد ایشان فرمودند که شخص حاج حسین آقا سپرده بودند که اگر من بیایم یک اتاقی را در پشت بام مشخص کرده بودند.

می‌رفتم و یک شخصی را که معین کرده بودند آن کتاب مورد نظر من را بیایرد و استفاده می‌کردم. باوجود اینکه کتابخانه رسماً بسته بود. یعنی حاج حسین آقا تا این مقدار توجه داشت، کسی که اهل علم است از استفاده کردن از کتابخانه محروم نماند.

شده است. شهید اول و شهید ثانی، را مثال زدم. این دو شخصیت که شخصیت‌های مهمی بودند در فضای لبنان به دلیل آن موقعیت و آن آمادگی و استعداد و آن مطالبه اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی، بیش از دیگر علمای شیعه، فرامذهبی عمل کردند و ارتباطات مدام و گسترده‌ای داشتند و حتی تدریس مذاهب اهل سنت را هم برعهده داشتند. ارتباطات ادیبانی هم داشتند. این نشان می‌دهد که هم شخصیت از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، چون دیگرانی هم بودند که این کار را نکردند، و هم منطقه در این شخصیت‌ها تأثیرگذار و زمینه ساز بوده است. امام موسی صدر شخصیت بزرگی است، نبوغ خاصی در فهم دین و نگاه‌های اجتماعی درست دارد. ولی به نظرم جامعه لبنانی که جامعه مستعدی برای افکار از نوع افکار امام موسی صدر بوده، هم در اینکه امام موسی صدر این افکار را بتواند با ادبیات مناسب ارائه کند و به منصف ظهور بگذارد تأثیر گذاشته است. چه بسا اگر ایشان در قم بود نگاه‌های اجتماعی و بین‌المللی را هم ممکن بود دنبال کند اما نه با این ادبیات و نه با این سعه و گستره. هیچ‌گاه نمی‌شود شخصیت را از جامعه‌اش دور کنیم. من معتقدم که امام موسی صدر هدیه‌ای بوده است به لبنان که اگر نبود چه بسا آنان به این صورت در مسیر امروز نبودند و لبنان هم هدیه‌ای بوده است به امام موسی صدر.

آقای وقف و اهدا؛ مردی از تبار جاودانان



نگرفت. نخستین اقدام ۶سال بعد صورت پذیرفت: «۶سال بعد، از طرف پدرم مامور خراسان شدم. در آن‌جا کتابخانه شیخ‌عبدالحسین پسر شیخ‌عبدالرحیم بروجردی را خریداری کردم. بعداً هم کتاب‌های میرزا ارسطو منشی کنسولگری روس را خریدم و کتابخانه خود را با این کتاب‌ها به‌وجود آوردم پس از آن هر کجا می‌شنیدم که کتاب خطی هست به سراغش رفتم. در این راه شهرتی بهم زدم، به‌طوری‌که برای فروش کتاب قدیمی و خطی به من مراجعه می‌شد، هر کس هر چه کتاب داشت می‌خریدم». کتابخانه مشهوری که حاج حسین آقا ملک ایجاد کرده بود تا پیش از درگذشت پدر در مشهد جای داشت: «در سال ۱۳۳۶ قمری [۱۲۹۷ خورشیدی] که پدرم درگذشت این خانه را که خود من در آن‌جا متولد شده‌ام به کتابخانه اختصاص دادم... کتاب‌ها را تا نخوانده‌ام به کتابخانه تحویل نداده‌ام».

کتابخانه ملی ملک که اکنون به پایتخت آمده، با حضور در بازار حلبی‌سازهای تهران، به دوره‌های تازه از زندگی‌اش وارد شده بود. این اما پایان اندیشه بزرگ حاج حسین آقا ملک و کتابخانه مشهورش نبود. او که با درگذشت پدر بازرگان و زمین‌دار، میراث‌دار ثروت بی‌کران او شده بود، به واسطه کتابخانه، به گستره‌ای تازه از فعالیت فرهنگی روی آورد؛ راه‌اندازی موزه: «انگیزه من از تأسیس موزه سکه، فرش، قلمدان، نقاشی و... که هنوز در دست تکمیل است این بود که بعضی از مراجعان به کتابخانه من محققان خارجی هستند. آنها سوال می‌کردند که سکه‌های قدیم ایران یا خطوط تاریخی و قلمدان‌ها را که همگی نشانه تمدن کهن ما است کجا می‌توانند تماشا کنند. من برای سهولت کار آنها و نیز استفاده ملت ایران دست به ایجاد این موزه زده‌ام». او که توانسته بود نخستین موزه خصوصی ایران را بنیاد گذارد، به روایت خودش، در سال ۱۳۱۴ کتابخانه و موزه ملی ملک را تأسیس و سازماندهی کرد.

سال ۱۳۱۶ خورشیدی؛ تقدیم گنجینه بر آستان قدس رضوی

انسانی را برای پویایی باز گذاشته و فراتر از آن، معتقد بوده که پویایی رفتاری و اجتماعی امری است که در جامعه اتفاق می‌افتد.

شاید اگر بخواهیم برای این موضوع دلیل بیاوریم بشود این دلیل را ذکر کرد که زمانی که مالک اشتر از سوی امام علی مأمور شد که به مصر برود، امام فرمود که آدابی از آن مردم را که باعث اجتماع و الفت آنها می‌شود تخریب نکن، تأیید کن چون مایه الفت آنها می‌شود. با توجه به اینکه مردم مصر، مردم جدید العهدی بودند و آدابی که داشتند آدابی نبود که در مدتی که مسلمان شده بودند ایجاد کرده باشند بلکه ریشه تاریخی داشته است. این بدان معناست که اسلام می‌پذیرد که ممکن است در جوامع غیر اسلامی هم آدابی باشد که ابتکارات و ابداعات و کارکردهایی در جهت الفت و خوبی و خیر داشته باشند. این به آن معنا نیست که اسلام ناقص است، اسلام به کلیات خیر و رفتارهای درست توجه نشان داده. بنابراین، با توجه به این دو اصل، تعامل و گفت‌وگو با جوامع دیگر هیچ منافاتی نه با کمال دین دارد و نه منافاتی با این دارد که تصور کنیم اگر از جوامع دیگر حرفی را گرفتیم یا استفاده‌هایی کردیم بدان معناست که آن جوامع را در وضع ایده آل می‌بینیم. لذا امام موسی صدر اگر این نگاه‌ها را ارائه می‌کند، از نگاه دقیقی نسبت به

مهدی یساولی

مرداد ۱۳۹۴ خورشیدی، ۴۳سال از درگذشت بزرگترین واقف و اهداکننده تاریخ معاصر ایران می‌گذرد. سه ماه پس از آن هم با فرارسیدن آبان ۱۳۹۳ خورشیدی، کتابخانه و موزه ملی ملک، بزرگترین موقوفه فرهنگی ایران هفتاد و هشتمین سال وقف خود را پشت‌سر می‌گذارد و وارد دوره تازه‌ای از فعالیت خود می‌شود. بنیان‌گذاری این گنجینه بی‌بدیل فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی اما به بیش از ۷۸سال پیش بازمی‌گردد.

کتابخانه و موزه ملی ملک، نخستین موزه خصوصی ایران و یکی از ۶کتابخانه بزرگ در زمینه نسخه‌های نفیس خطی به‌شمار می‌آید. این مجموعه گنجینه‌ای از بهترین نسخه‌های خطی و آثار تاریخی ایران را نگهداری می‌کند. این موسسه در قلب فرهنگی - تاریخی تهران، «محوطه تاریخی باغ ملی» قرار دارد و روزانه تعداد زیادی از پژوهشگران، دانشجویان و گردشگران از امکانات کتابخانه‌ای و موزه‌ای آن بهره می‌گیرند. این مجموعه، دو بخش کتابخانه و موزه را با گنجینه‌ای از نفایس فرهنگی ایران از جمله نسخه‌های خطی، سکه‌ها، تمبرها، قالی‌ها و تابلوهای نقاشی تاریخی به همراه برترین آثار خوش‌نویسی و نگارگری تاریخ ایران در خود جای داده است.

سفری به ۱۱۵سال پیش با بزرگترین واقف فرهنگی ایران

کتابخانه و موزه ملی ملک از سال ۱۲۷۸ خورشیدی که نخستین اندیشه درباره گردآوری کتاب و تشکیل یک کتابخانه به ذهن حاج حسین آقا ملک راه یافت، تا امروز که ۱۱۵سال از آن روزگار می‌گذرد، دوره‌های مهمی از دگرگونی‌های اساسی را از سرگذرانده است. بنیان‌گذار و واقف کتابخانه و موزه ملی ملک آن‌گونه که در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۵ روایت کرده است، برای نخستین بار در سال ۱۲۷۸ از راه آشنایی با یک دیوان خطی شعر به اندیشه گردآوری کتاب افتاد.

«در سال ۱۳۱۷ هجری قمری [۱۲۷۸ خورشیدی] که به اتفاق مرحوم پدرم حاج‌محمدکاظم ملک‌التجار برای دیدن املاک خراسان به مشهد رفتیم در بازگشت، در نیشابور نیرالدوله حاکم این شهر از ما که عده همراهان ما به ۴۰ نفر می‌رسید، استقبال باشکوه و پذیرایی ۱۵ روزه کرد. من در نیشابور نسخه‌ای از دیوان ابن یمین را پیدا کردم و در این ۱۵ روز از روی آن نسخه‌ای برای خود نوشتم. از آن پس این فکر در من قوت گرفت که یک کتابخانه بزرگ دایر کنم». تشکیل کتابخانه اما به‌زودی رنگ واقعیت

ادامه از صفحه قبل

و سراغی از حرف خوب در جای دیگر نگریید. این یک دیدگاه است. دیدگاه دوم معتقد است که اخلاق اصولاً در ذات انسان به ودیعت نهاده شده و امری انسانی است. یعنی حتی اگر جامعه دینی هم وجود نداشته باشد اخلاق می‌تواند وجود داشته باشد چون در ذات انسان نهفته است. و نقش دین در ارتباط با اخلاق، نقش تأسیس نیست. نقش تکمیل و امضا و تأیید و تفصیل است. گاهی اوقات هم نقش تقویتی دارد یعنی اخلاق را تقویت می‌کند. در ارتباط با اینکه آیا ممکن است رفتارهای خوبی در جوامع غیر اسلامی به وقوع بپیوندد که ما مسلمان‌ها از آنها استفاده کنیم، بعضی ممکن است بگویند نه و به هیچ وجه چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. خوبی فقط آن است که ما داریم و به هیچ وجه در جای دیگر امکان ندارد خوبی باشد. شاید نظرشان هم این است اگر بگوییم خوبی را می‌توانیم از جای دیگری بگیریم به معنای نقص دین است. چون فرض این است که دین کامل است. آن چیزی که به نظر می‌آید دیدگاه امام موسی صدر در این باب است و من به زبان خاصی عرض می‌کنم، این است که اسلام هیچ‌گاه ناقص نیست، بلکه همیشه مکمل است. یعنی اسلام نه ناقص است و نه نقش تکرارکننده دارد، بلکه نقش تکمیل‌کننده دارد. اسلام در موارد بسیاری اصولاً بر کلیات تأکید ورزیده و دست جامعه

اقدام مهم بعدی حاج حسین آقا ملک در سال ۱۳۱۶ صورت گرفت. او در این سال که با راه اندازی موزه ایران باستان از سوی دولت همزمان بود، خانه پدری را به همراه کلیه اموال موجود در آن که کتابخانه و موزه ملی ملک را دربرمی‌گرفت، بر آستان قدس رضوی وقف کرد تا «شعبه‌ای از کتابخانه مقدسه رضویه باشد که کافه و عامه افراد سکنه ایران بدون رعایت ملیت حق استفاده داشته و هر یک از افراد در خور استعداد خود عبدالحاجه» از آن بهره بگیرند.

حاج حسین آقا ملک در سال‌های بعد اموال و زمین‌های فراوانی را به‌ویژه در خراسان بر آستان قدس رضوی وقف کرد تا بودجه کتابخانه و موزه از محل درآمد‌های آنها تأمین شود؛ بدین ترتیب بنیاد این موقوفه را بر خودکفایی مالی گذاشت. او همچنین به موجب وقف‌نامه، تولیت موقوفات را تا زمان وفات به خود اختصاص داده و پس از آن به تولیت آستان قدس رضوی سپرده بود.

مهاجرت از بازار بین‌الحریمین به قلب فرهنگی - تاریخی پایتخت

حاج حسین آقا ملک ۳۵سال پس از وقف کتابخانه و موزه، در سال ۱۳۵۱ درگذشت و تولیت موقوفات به‌ویژه کتابخانه و موزه ملی ملک مستقیماً در اختیار آستان قدس رضوی قرار گرفت. کتابخانه و موزه ملی ملک پس از درگذشت واقف، به فعالیت خود در همان مکان و گستره جغرافیایی در بازار تهران ادامه داد.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بافت جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی بازار تهران به دگرگونی‌هایی اساسی دچار و بدین ترتیب تداوم حیات فرهنگی کتابخانه و موزه ملی در آن فضای جدید با تردیدهایی روبه‌رو شد. با دریافت همین مساله، آستان قدس رضوی، از وجود قطعه زمینی در محوطه تاریخی میدان مشق (باغ ملی کنونی) بهره جست که حاج حسین آقا ملک در زمان زندگی خویش با هدف گسترش کتابخانه و موزه در آن‌جا تدارک دیده و وقف کرده بود.

عملیات ساختمانی در سال ۱۳۶۴ آغاز شد و ساختمان تازه با کاربری کتابخانه و موزه در هفت طبقه با بهره‌گیری از معماری اسلامی در سال ۱۳۷۵ گشایش یافت. کتابخانه و موزه ملی ملک بدین ترتیب ۲۴سال پس از درگذشت بنیان‌گذار و واقف، به ساختمان نو در محوطه میدان مشق منتقل شد. کتابخانه و موزه ملی ملک از آن روزگار تا امروز در این ساختمان زیبا که جلوه‌هایی تحسین‌برانگیز از معماری ایرانی - اسلامی را به نمایش گذاشته است، به مخاطبان کتابخانه و موزه خدمات فرهنگی ارائه می‌دهد.

تمدن برخوردار بوده و از یک تعریف صوری خشک تحت‌اللفظی بی‌روح به‌دور بوده است. تعریف دقیقی از تمدن داشته. جامعه انسانی را خوب می‌شناخته و از این خاستگاه، ایشان می‌تواند همچنان فرصتی برای بازنگری در اندیشه‌های اجتماعی و تمدنی باشد.

در این بین نقش جغرافیای فرهنگی لبنان را در ایجاد فضای گفت‌وگو چگونه می‌بینید؟ این فضا چقدر برای اهل گفت‌وگو بودن در روحیه امام موسی صدر تأثیر داشت؟ آیا امام موسی صدر با آن مبانی‌ای که از دین دارد، اگر در قم بود یا نجف یا لبنان، به یک میزان و به یک شکل و یک شاکله، اهل گفت‌وگو بود؟ جامعه لبنان چقدر در مدل سلوک گفت‌وگویی امام موسی صدر مؤثر بوده است؟

چند وقت پیش جلسه‌ای در لبنان داشتم، سخنرانی‌ای در خانه‌ای در جمع علما و دانش‌گامیان بود. آنجا این را گفتم که جامعه لبنان، جامعه ویژه‌ای است. کافی نیست کسی نابغه باشد یا مصلح باشد، شرط دیگری هم در کار است. قابلیت ظرف اجتماعی برای تأثیرگذار بودن یک مصلح لازم و کافی است. گفتم به دلیل اینکه همیشه همه ادیان و اقوام در لبنان در کنار هم زندگی کرده‌اند و ویژگی‌های خاص جغرافیایی و تاریخی، یک جامعه مستعد برای حرکت اجتماعی و فرامذهبی و فرادینی



ماهنامه رمز عبور، جناب آقای سردبیر!

با سلام و احترام در شماره ۱۰ مجله «رمز عبور» در ضمن گفتگو با برادر ارجمند جناب آقای تبریزی، نقل قولی از اینجانب به عمل آمده بود که برای تکمیل آن، توضیح زیر که به صورت پرسش و پاسخ درآمده است، تقدیم می‌گردد. امید آنکه در شماره بعد آن مجله، چاپ شود.

با احترام؛ سید هادی خسروشاهی

تهران

۹۴/۳/۲

آقای قاسم تبریزی، در مصاحبه‌ای با مجله «رمز عبور» می‌گوید که حزب توده علیرغم اینکه اطلاعات درباره مسائل و حوادث داشت ولی آن را در اختیار نمی‌گذاشت و فقط به آقای خسروشاهی تلفن می‌کرد که اخباری هست!! و من از آقای خسروشاهی پرسیدم گفت: نه! اطلاعاتی در اختیار نمی‌گذاشت. فقط تلفن می‌کرد! نظر شما چیست؟

بلی! بنده هم مصاحبه برادر پژوهشگر عزیز را در ماهنامه «رمز عبور» خواندم که به نقل از بنده می‌گویند: «کیانوری زنگ می‌زد و به اسم حاجی خودش را معرفی می‌کرد و فقط می‌گفت قرار است یک اتفاقی بیفتد ولی خبر را نمی‌گفت در صورتی که اطلاعاتش را داشتند!» ولی این تمام مطلب نیست. آقای کیانوری فقط در مواردی حساس و مهم مانند مسئله کودتای نوژه و یا مسئله حمله عراق به ایران، خود تماس می‌گرفت و به دفتر اینجانب در وزارت ارشاد می‌آمد و گزارش مکتوب امر را، ضمن توضیحات حضوری، تحویل می‌داد و در موارد دیگر افرادی از حزب، مانند آقای محمدعلی عموی و یا شخصی به نام آقای خراسانی، اقدام می‌کردند.

اینکه تلفن می‌کردند و می‌گفتند: خبرهایی هست و بعد هیچ اطلاعاتی نمی‌دادند، صحیح نیست... البته در تلفن که معقول نبود مطالب حساسی مانند کودتای نوژه مطرح شود، ولی این تلفن‌ها به عنوان «اخبار» بود و بعد گزارش‌ها و اطلاعات مکتوب ارسال می‌گردید. برای تصحیح تاریخ، اشاره به این نکته ضروری به نظر رسید. **به نظر شما هدف حزب توده از این همکاری اطلاعاتی با نظام جمهوری اسلامی چه بود؟ آیا فقط اجرای دستور «مسکو» بود و یا اینکه برنامه ویژه‌ای را در نظر داشت و به دنبال اجرای آن بود؟**

بی‌تردید برنامه استراتژیک ویژه‌ای به دنبال آن بود. اجازه دهید که مختصری به تئوری «راه رشد» طرح حزب اشاره کنیم:

در زمان حکومت خروشچف چند نفر از تئوریسین‌های حزب کمونیست شوروی مانند پاناماریف، تز جدیدی را

تاریخ را چگونه

در دو ماهنامه اصلاح طلب و اصول گرا، در ضمن گفتگو با دوستان، مطالبی مطرح شده بود که نیاز به توضیح و تصحیح و تکمیل داشت... و این کار در دو موردی که نام حضرت استاد سیدهادی خسروشاهی نیز به میان آمده بود، یادداشت توضیحی به دوستان ارسال گردید، ولی متأسفانه علیرغم گذشت دو ماه! از چاپ این توضیحات در آن دو ماهنامه، خبری نشد و گویا تاریخ را باید آنگونه نوشت که دوستان می‌خواهند و «سفارش» می‌دهند!... و تعلق و تکمیل هم ظاهراً ضرورتی ندارد!!

اینک آن دو یادداشت، برای ثبت در تاریخ و تکمیل و تصحیح مطالب آن دو مصاحبه، در این نشریه به چاپ می‌رسد که شاید خوانندگان و علاقمندان آن، کمتر از خوانندگان آن دو نشریه نباشد.

سردبیر

۱۱ اردیبهشت را نباید قطعی تصور کرد. این روز فقط از نظر امکان بسیج بیشتر مردم به روزهای دیگر ترجیح داشت و گرنه امکان داشت چند روز زودتر یا چندروز بعد از آن دست به کودتا زده شود. این دیر یا زودی بستگی به آمادگی حزب برای شروع عملیات داشت. باید اضافه کنم تا آنجا که مربوط به حزب بود، یازدهم اردیبهشت قطعی بود و حزب خودش را برای این روز آماده می‌کرد، ولی از آنجا که نیروی حزب به تنهایی شانسی برای موفقیت نداشت، کودتا باید همزمان با عملیات نظامی وسیع در تقریباً همه مرزهای ایران انجام می‌شد. این عملیات نظامی که شامل هم ارتش شوروی، هم نیروهای نظامی آمریکا و هم دستانتش در منطقه و هم تشدید فعالیت نظامی عراق به عنوان مهم‌ترین زمینه مساعد برای آغاز کودتا ارزیابی شده بود، هرگونه تسریع یا تأخیر در تاریخ ذکر شده (اول ماه مه) مربوط می‌شد به این زمینه که عامل اصلی برای به هم خوردن تعادل نیروها تلقی شده بود.

گرچه تاریخ برای یازدهم اردیبهشت ۶۲ تعیین شده بود، ولی چگونگی شروع کودتا بستگی به نحوه ایجاد آن زمینه مساعد داشت که در سؤال قبیل توضیح داده شد. این زمینه مساعد به دو صورت می‌توانست به وجود آید، یکی اینکه در صورت تشدید عملیات ضدانقلابیون و بسته به آریانا، مستقر در ترکیه و ایجاد اغتشاش بیشتر در آذربایجان غربی شوروی به بهانه تأمین امنیت مرزهای جنوبی اش نیروهای نظامی خود را وارد ایران کند و به دنبال آن آریکا و همدستانش در منطقه همراه با سر و صدای تبلیغاتی خطر شوروی در مقابل جهانیان هر یک دیگری را به توسعه طلبی و به خطر انداختن امنیت یا منافع حیاتی دیگری متهم می‌کند. توافق پنهانی خود را به مرحله عمل درمی‌آورند روشن است با به وجود آمدن چنین وضعی درگیری نیروهای نظامی و مردمی ایران در مناطق مختلف و در جبهه وسیعی اجتناب‌ناپذیر می‌شود در نتیجه تعادل نیرو در داخل می‌تواند به نفع کودتا تغییر کند و زمینه مساعد فراهم آید شکل دیگر چگونگی شروع کودتا این بود که حملات زمندگان جمهوری اسلامی ایران به ارتش عراق موجب شود شیوخ خلیج فارس با ادعای به خطر افتادن موجودیت شان، از آمریکا تقاضای حمایت نظامی کنند و آمریکا نیز با تبلیغات وسیعی علیه ایران نیروهای واکنش سریع را وارد عمل و جنوب ایران را - حداقل در حد خلیج فارس و بعضی بنادر - اشغال کند و به دنبال آن ارتش شوروی همراه با تبلیغات ضدآمریکایی به بهانه حضور نظامی آمریکا وارد ایران شوند و مناطق را به اشغال خود درآورند و بدین ترتیب زمینه لازم برای کودتا فراهم شود. با توجه به جبهه داخلی از لحاظ نظامی بسیج مردم به بهانه اول ماه مه، توأم با شعارهای ضد آمریکایی آغاز مناسبی بود که در پوشش آن حزب به مجلس، مقرر ریاست جمهوری و نخست‌وزیری بپردازد و بلافاصله تغییر دولت، وفاداری به قانون اساسی، احترام به عقاید و حقوق مردم را اعلام می‌کند و مردم را به آرامش در پایتخت و جنگ همه جانبه در جبهه‌ها فرا می‌خواند. روشن است بدون دخالت و حمایت مستقیم شوروی کودتا پیش می‌آمده کمتر قابل پیش بینی بود و بیشتر بستگی به این داشت که آمریکا چنین حکومتی را تحمل کند یا نه. از این به بعد همه چیز بستگی به حدود توافق و اختلاف آمریکا و شوروی داشت...»

پی‌نوشت:

۱- رمز عبور، شماره ۱۰، صفحه ۸۸، مورخ اردیبهشت ۱۳۹۴.

۲- این شرح در واقع گوشه‌ای از حقایق در طرح کودتای آقای کیانوری را نشان می‌دهد که برای اثبات ادعای ما ظاهراً کافی است.

جای گرفت و مسئول روابط عمومی حزب شد و اتفاقاً جزو نخستین افرادی بود که در ضربه برادران، دستگیر شد و حقایق بسیاری را افشا کرد و از جمله درباره طرح کودتای حزب کیانوری که قرار بوده در اردیبهشت ۱۳۶۲ انجام گیرد، نکات مهمی را افشا کرد که ما در اینجا فقط سطوری از نوشته او را در این رابطه نقل می‌کنیم:

«... پیش از ورود به اصل مطلب، یعنی پرداختن به توضیح چگونگی طرح کودتا و تصمیمات متخذه راجع به آن طرح، به جاست مقدماً تحلیل حزب را از روند تکامل انقلاب حالات محتمل از نظرات اجتماعی، موضع حزب در قبال هر یک از حالات محتمل و بالاخره مناسب‌ترین سیاست برای حزب قبل از پیدایش فکر کودتا و علت تغییر آن را به اختصار توضیح دهم. به طور کلی تحلیل حزب از روند تکامل انقلاب بر این اصل مبتنی بود که انقلاب ایران با رهبری امام خمینی و روحانیت مبارزی که نزدیک‌ترین پیروان و یاران امام را تشکیل می‌دادند، دارای محتوایی ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و عدالت‌پژوهانه است. زیرا در همان ضربات نخستین به رژیم پهلوی موفق شده بود بزرگ‌ترین و نیرومندترین متحد و پایگاه امپریالیسم آمریکا را در هم شکنند. سیل انبوه مستشاران ۴۰ هزار نفری او را بیرون بریزد، مراکز استراق سمع و جاسوسی او را تعطیل کند، پیمان‌های ننگین سنتو و دو جانبه را لغو کند و بدین ترتیب با یک ضربت زنجیر اسارت و وابستگی به آمریکا را گسست و به نخستین هدف یعنی «استقلال» دست یافت. با سرنگون کردن رژیم فاسد و دیکتاتوری پهلوی، برچیدن بساط حاکمیت ساواک و تصفیه عناصر مطلق‌النعان دستگاه حکومتی سابق، دیوار استبداد فرو ریخت و دومین هدف «آزادی» به دست آمد. تبدیل رژیم ظالمانه دیرپای شاهنشاهی به جمهوری اسلامی ایران و عرضه [...] محتوای جمهوری اسلامی ایران به وسیله یک قانون اساسی که عمده ترین خواسته‌ها و آرزوهایی طبقات محروم را منعکس می‌کرد و انجام یک سلسله تصمیمات انقلابی در جهت کوتاه کردن دست غارتگران انحصارات و ملی کردن مؤسسات آنها محتوای سومین قسمت «جمهوری اسلامی ایران» که با اعتقاد حزب عبارت از خصلت عدالت‌پژوهانه آن بود، به نمایش گذاشته شد. بر اساس این تحلیل حزب انقلاب را انقلابی ضد امپریالیستی و مردمی ارزیابی می‌کرد و روند تکامل آن را از لحاظ داخلی تقابل طرفداران عدالت اجتماعی و حقوق طبقات محروم با انجام یک سلسله دگرگونی‌های بنیادین به نفع محروم از یک طرف و طرفداران و نمایندگان حفظ مناسبات ستمگرانه می‌دید و از لحاظ خارجی با حفظ ویژگی نخستین، تشدید خصلت ضد امپریالیستی این تحلیل بر آن بود که چون انقلاب عملاً امپریالیسم آمریکا و امتیازات آن را زیر ضربه گرفته است با وجود شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» باید مورد تأیید و حمایت شوروی قرار گیرد. این اولین ارزیابی نادرست در این تحلیل بود که بعداً با تفصیل بیشتری به آن پرداخته خواهد شد. حزب شعار اساسی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را به مفهوم تأکید بر استقلال تعبیر و آن را تأیید کرد. حال آنکه این شعار با صراحت تمام نفی نظام شرق و غرب، یعنی کمونیسم و سرمایه داری ...

... قرار شده بود فصل بهار برای انجام کودتا تعیین شود. در این فصل هم روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) مناسب ترین روز تشخیص داده شده زیرا با برپا شدن تظاهرات کارگری، امکان بسیج و به خیابان کشیدن مردم بیش از هر وقت دیگر بود. باید توضیح بدهم روز

به عنوان «راه رشد» مطرح ساختند که تئوری قبلی مارکسیست‌ها را در مورد پیدایش جامعه سوسیالیستی رد می‌کرد. بنابراین تئوری جامعه پس از مرحله فئودالیسم به مرحله سرمایه داری می‌رسد و بعد می‌رود به کمپرادور وابسته و سپس در مرحله تکاملی به سوسیالیسم می‌رسد و در نقطه آخر به کمونیسم!

چون این تئوری در همه جا تحقق نیافت و مثلاً در «شیلی» سالوادور آلنده در عمل از «راه رشد» به سوسیالیسم رسید و سه سال حکومت کرد تا اینکه امریکایی‌ها با کودتایی به رهبری ژنرال پیئوشه او را سرنگون کردند.

طبق نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری، به جای طی مراحل مختلف، می‌توان بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز و مبارزات غیرمسلحانه و گذار مسالمت‌آمیز، به سوسیالیسم رسید!

یعنی در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز، می‌توان انقلاب ملی - دمکراتیک را راه انداخت و دمکرات‌ها و ملی‌ها را می‌توان متحد ساخت و سپس و به تدریج، دمکرات‌ها به اکثریت می‌رسند و انقلاب سوسیالیسم به دست می‌آید. در واقع، در این شرایط دمکرات‌های انقلابی با نیروهای ملی همکاری و همراهی می‌کنند و در نهایت با انتخابات یا کودتا، حکومت را به دست می‌گیرند!

به عبارت دیگر: از راه رشد می‌توان برای پرش به سوی سوسیالیسم، استفاده کرد. اگر در ویتنام پس از سال‌ها نبرد مسلحانه و کشتارهای وحشیانه سوسیالیسم بیروز شد، آلنده بدون توسل به خشونت به همان مرحله رسید و با شرکت در انتخابات نظام سرمایه‌داری وحشی و وابسته به امپریالیسم غرب را در شیلی، سرنگون ساخت و سوسیالیسم پیروز شد!

نوعی از همین نحوه پیروزی را در کودتای یومدین، بر ضد احمد بن بلا، می‌توان مشاهده نمود که در آنجا در سیر

پایانی به جای روش مسالمت‌آمیز، از کودتا استفاده شد. در ایران هم پس از پیروزی انقلاب، حزب توده برای سلب اعتماد نظام به نوعی همکاری، به ویژه در زمینه‌های اطلاعاتی دست زد و همزمان هم به گسترش تشکیلات خودو ایجاد واحدهای مختلف در کشور و نفوذ در سازمان‌های دولتی پرداخت، حزب توده با هدایت حزب مادر! انقلاب ایران را ملی و دمکراتیک خواند و در عمل به اجرای طرح «راه رشد» گرایش یافت و در واقع از آغاز برنامه استراتژیک حزب توده همین پست گرفتن قدرت و حکومت بود؛ ولی راه رسیدن به آن را در جلب اعتماد نظم و تخریب عناصر مخالف می‌دانست و به همین دلیل آقای کیانوری طرح «حزب توده در خط امام!» را در مقابل دیگر احزاب چپ و یا سیاسی، مرح ساخت و داشت به سرعت پیش می‌رفت که با طرح ضربتی «برادران» توطئه آن بی نتیجه ماند و چون در نهایت امر طرح اصلی حزب و دبیر کل آن، برای به دست گرفتن قدرت، «کودتا» بود.

مدرکی هم برای این ادعا که حزب توده در فکر کودتا بود، هست یا جناب‌عالی با تکیه به همان روش «راه رشد» مورد قبول حزب توده، آن را مطرح می‌کنید؟ آیا حزب توده در آن مقطع توان کودتا را داشت؟

اتفاقاً در این رابطه، شاهد زنده‌ای داریم و آن آقای محمدعلی عموی است. آقای عموی که یکی از رابطین ما با او بود، جزو گروه و شبکه افسران حزب توده در زمان شاه بود که پس از دستگیری و محاکمه به حبس ابد محکوم گردید و ۲۵ سال تمام در زندان رژیم شاه بود و پس از پیروزی انقلاب، آزاد شد و در کادر رهبری حزب

نه باید نوشت؟

بسمه تعالی

جناب آقای قوچانی، سر‌دبیر محترم مهرنامه با سلام و درود، محترماً اشعار می‌دارد:

در شماره ۴۱ مهرنامه، در مصاحبه برادر ارجمند و نیم‌قرنی ما، جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی در فرازی اشاره به مطلبی درباره اینجانب به عمل آمده که گویای حقیقت نیست. برای تصحیح تاریخ، توضیحی کوتاه در این باره تقدیم می‌گردد که انشاء الله در شماره آینده، امر به درج نمایند.

با احترام
تهران ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۳۶ هـ
سید هادی خسروشاهی

توضیح و تصحیح

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، در گفتگوی مسووط خود، به مطلبی نیز درباره دیدارهای اینجانب با آقای نورالدین کیانوری، دبیر کل حزب توده ایران، پس از پیروزی انقلاب اشاره دارد که متأسفانه با ایهامی نامطلوب همراه شده که برای تصحیح آن، که بالاخره یک مسئله تاریخی است، توضیحی را ضروری می‌سازد. اجازه بدهید نخست، «نص حدیث» را نقل کنیم و سپس توضیح کوتاه را: «... من در جلد چهارم خاطراتم که جریان نفوذی خزنده را می‌گویم، توضیح می‌دهم که فرد نفوذی مثل کلاهی یا کشمیری یا سید امامی و دیگران در حزب و یا در نخست وزیری یا در وزارت اطلاعات بودند. اینها خناسانی بودند که مسئولان را وسوسه می‌کردند. کلاهی چه در گوش آقای بهشتی می‌خواند که اینطور با همه ما چپ افتاد، این نفوذی توده ای در آنجا چه می‌کرد؟ آقای هادی خسروشاهی می‌گوید نورالدین کیانوری مرتب می‌آمد و مرا می‌دید. سید احمد خمینی و بهشتی را می‌دید. به اینها چه می‌گفته؟ خسروشاهی می‌گوید مرتباً علیه اینها، دولت موقت و لبرال‌ها، چمران و یزدی، سم‌پاشی می‌کرد...»

این نص کامل بیانات برادرمان جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی است که در ماهنامه «مهرنامه»، چاپ شده است. دیدارهای اینجانب با بعضی از سران حزب توده در محل کارم در وزارت ارشاد فقط برای دریافت اخبار و گزارش‌هایی بود که حزب مایل بود توسط اینجانب به اطلاع مسئولین کشور برسد و من علی‌رغم اینکه هیچگونه تمایل و علاقه‌ای به این قبیل امور نداشتم، به صلاح دید حاج احمد آقا و شهید قدوسی (دادستان کل انقلاب) این امر را به عنوان ادای یک وظیفه ملی، در شرایط بحرانی کشور، پذیرفتم و هر خبر یا گزارشی را که اینجانب و در دفتر من در وزارت ارشاد تحویل می‌شد، به دفتر امام یا شخص شهید قدوسی می‌فرستادم و یا اگر موضوع مهم بود، خودم آنها را می‌بردم و تحویل می‌دادم. به هر حال این یک موضوع محرمانه و مخفی نبود و دوستان هم از آن اطلاع داشتند و من چگونگی آن را در گفتگوهای متعددی با مطبوعات کشور، شرح داده‌ام... اما آنچه که الان توسط جناب دکتر یزدی و در این مصاحبه، بدون ارائه سند یا مدرکی مطرح شده، سخنی مانند سخنان بعضی از گردانندگان «روزنامه‌های زرد!» است که بدون دقت می‌پراندند، در حالی‌که عدم صحت و کذب بودن آن کاملاً از ظاهر و باطن پیدا است.

من متأسفانه جلد چهارم خاطرات آقای دکتر یزدی را ندیده‌ام تا ببینم که «چریان نفوذی خزنده» از چه قرار بوده و چه کسانی دقیقاً عامل نفوذی در دستگاه‌های نظام اسلامی بوده‌اند؟ اما آنچه که در این مصاحبه مطرح شده کاملاً بی‌اساس و به دور از انصاف و حقیقت است که اشارات زیر چگونگی آن را روشن می‌سازد:

(۱) هادی (کذا) خسروشاهی هرگز به طور مرتب با آقای کیانوری دیدار نداشتم... همانطور که بارها گفته‌ام آقای کیانوری، خود، سه یا چهار بار در وزارت ارشاد به دفتر من آمد که حامل گزارش‌های مهمی درباره مثلاً مسئله کودتای نوژه یا حمله عراق و توطئه قتل امام بود. «این رابطه ایشان ضمن توضیح حضوری درباره چگونگی امور، گزارش مکتوبی هم با امضای خود یا مهر

حزب توده، تحویل می‌داد که اصل یا کپی آن به مقامات مسئول تحویل و یا ارسال می‌گردید.

(۲) آقای کیانوری در مقابل اصرار من بر اینکه اینگونه اطلاعات را به طور مستقیم در اختیار مسئولین مربوطه قرار دهد، چون من کارم، کار فرهنگی است نه اطلاعاتی و امنیتی! پاسخ می‌داد: ما که دستمان به آقایان نمی‌رسد، در دفتر ریاست جمهوری هم عناصر مشکوکی مانند کشمیری و خاتمی هستند که ما مطمئن نیستیم گزارش‌های مهم را به موقع به اطلاع مسئولین برسانند. با توجه به این اصل، جناب دکتر یزدی چگونه ادعا می‌کنند که کیانوری «هادی! خسروشاهی و سید احمد خمینی و بهشتی را می‌دید؟» و این جمله را به دنبال جمله منقول از اینجانب می‌آورد که: خسروشاهی می‌گوید نورالدین کیانوری مرتب می‌آمد و مرا می‌دید و سید احمد خمینی و بهشتی را می‌دید» و این موارد، به ظاهر چنین می‌رسد که گویا من گفته‌ام که کیانوری مرا می‌دید و سید احمد و بهشتی را می‌دید؟ که مطلقاً چنین نیست و من اصلاً اطلاع ندارم که آقای کیانوری با آن افراد یا دیگران ملاقات می‌کرد یا نه؟ و نقل آن از قول اینجانب کذب محض است.

(۳) منظوری و مراد آقای یزدی از: «این نفوذی توده ای در آنجا چه می‌کرد؟» روشن نیست؟ از کدام نفوذی توده ای و در کجا سخن می‌گوید؟ اگر مرادشان آقای کیانوری و آقای عموئی است که آنها عوامل مخفی و نفوذی نبودند! عوامل ما مارکدار و شاخدار حزب بودند و معلوم نیست مرادشان از «در آنجا چه می‌کرد؟ چیست؟ یعنی کجا مرادشان است؟

ابهام‌سرابی در این قبیل موارد با روش اخلاقی آقای دکتر ابراهیم یزدی در تضاد است و معلوم نیست که چرا، اتهامی را؟؟؟ می‌دهد که باید در روزنامه‌های زرد! آنها را بخوانیم نه در مصاحبه ایشان...

(۴) «کلاهی چه در گوش آقای بهشتی می‌خواند که اینطور با همه ما چپ افتاد؟» جمله واقعاً غیرمنصفانه، غیراخلاقی و بی‌ربطی است، یعنی آقای کلاهی نگهبان دم درب و مسئول تفتیش افرادی که حزب می‌آمدند، آنقدر رتبه‌بایی داشته و ارتقا یافته بود که «گوش خوان» شهید بهشتی می‌شود؟ و شهید بهشتی هم با سخن این نفوذی، با همه دوستان ملی‌گرا چپ می‌افتد؟ عامل چپ افتادن شهید بهشتی و دیگران با دوستان و برادران قدیمی، در نوع عملکرد و اشتباه دوستان در دوران حکومت شان بوده. لابد خود به خاطر دارند که در شورای دولتی با حضور این آقایان، به گفته آیت الله رفسنجانی به اینجانب، هر وقت این آقایان، مطلبی را مطرح می‌ساختند، به جای توجه به مطالب آنان، آقای یزدی با برادر دیگرمان آقای مهندس صابغیان و یا دیگران، به گفتگوی در گوشه در جلسه رسمی می‌پرداختند و با این نوع بی‌اعتنایی، گاهی همراه با خنده، زمینه را برای چپ افتادن، فراهم می‌کردند...

راستی آقای یزدی، شما باور دارید که گوش خوانی کلاهی موجب چپ افتادن و رنجیدن دوستان از شما گردید؟ فکر نمی‌کنم که تصور شما واقعی بوده و صحت داشته باشد. (۵) از این خناسان نفوذی - کلاهی، کشمیری، سعید امامی - در جناح دوستان مقابل هم بی‌تردید حضور داشته‌اند که ظاهراً گوش خوانی آنان هم در تغییر روش آقایان، بی‌تأثیر نبوده است و چگونگی آن را خود آقایان بهتر از دیگران می‌دانند؟ چرا به آثار این نفوذی‌ها هیچ اشاره‌ای نمی‌شود؟

اجازه بدهید من فقط اشاره‌ای به یک نمونه از عملکرد این خناسان در داخل هیئت دولت موقت بنمایم و از آقای دکتر یزدی بپرسم: کدام خناسی در درون حاکمیت دوستان، مسوده‌ای را تهیه نمود و به جمع آوری امضا از آقایان وزرا پرداخت تا مجلس خبرگان را منحل نمایند و با عدم تصویب قانون که مجلس خبرگان امام خمینی را در قم ساکن سازند! و به قول «شاپور خان بختیار» ایشان قم را به وایتیکانی تبدیل کنند و در آنجا بمانند؟ دوستان آیا به خاطر نمی‌آورند که چه کسانی می‌خواستند حادثه دوران نهضت ملی را تکرار کنند و مانند

آقای دکتر مصدق که آیت الله کاشانی را خانه‌نشین کرد و یا شهید نواب صفوی را، به اتهام اقدامی در دوران رژیم شاهی، توسط آقای امیر علایی وزیر کشور، ۲۲ ماه تمام در زندان نگه‌داشت و توانستند جریان‌های مذهبی و روحانیت و حوزه‌های علمیه را از نهضت دور سازند و زمینه را برای کودتای ۲۸ مرداد آماده کنند، این بار این خناسان به فکر حذف عمل رهبری و انقلاب و جایگزین ساختن یک نهاد بی‌ریشه بودند که با هوشیاری امام خمینی و آگاهی مردم انقلابی، این توطئه خنثی شد و گرنه مردم ایران با یک کودتای خائنانه دیگری که مقدمات آن با کمک بیگانگان فراهم شده بود، روبه رو شدند و همچون دوران نهضت ملی، همه ی نیروها سرکوب و حکومت خائنانه ای مانند دوران ژنرال زاهدی، به وجود می‌آمد.

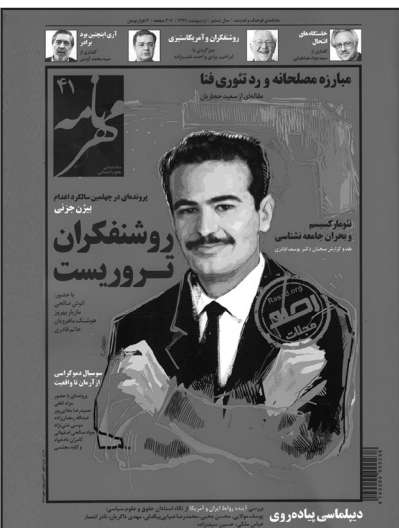
حافظه تاریخی و هوشیاری رهبری انقلاب و بیداری علماء بلاد و مردم ایران، اجازه نداد که این بار، به علت غفلت دوستان، فاجعه دیگری رخ دهد که آغاز آن، خود این آقایان قربانی می‌شدند...

(۶) آقای دکتر یزدی ملاقات ماها با افراد سیاسی مخالف را عملکرد نفوذگرایانه و خناس مابانه می‌داند و می‌نامد ولی به ملاقات‌های خود در پاریس - یا جاهای دیگر - با عناصر بسیاری از جناح‌ها و همه دولت‌ها، در راستای اهداف انقلاب اشاره ای ندارد...

برای نمونه، مثلاً: ملاقات‌های مکرر با عناصر آمریکایی مانند: «وارن دیمرن» در یک رستوران در نزدیکی اقامتگاه امام در پاریس یا ملاقات با آقایان: ل. فریمن، دکتر جیم کرافت، رمزی کلارک، ریچارد فانک و وان لوس؟؟ چه به طور مستقل و چه در اقامتگاه امام، چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ آیا آنها حواریون و قدیسانی بودند که از جانب عیسی مسیح آمده بودند یا خناسان آمریکایی مشابه خناسان ایرانی که اهداف ویژه خود را پی گیری می‌کردند؟

من قصد دنبال کردن این موضوعات را ندارم و اصولاً معتقدم که برای «دشمن شناسی» باید با آنها ملاقات و گفتگو کرد، ولقی بی‌تردید نباید اهداف ارزشی انقلاب به خواست آنان، تغییر یابد و «گوش خوانی»! آنان اثر منفی داشته باشد. اگر ملاقات دوستان در داخل و خارج؛ عناصر مخلفن و معارض و مشکوک، در راستای پیشبرد اهداف و کشف توطئه‌ها باشد، بدون شک نه تنها هیچ ایراد و اشکالی ندارد، بلکه از لحاظ دینی ادای یک وظیفه است...

پس متهم ساختن دیگران به تحت تأثیر قرار گرفتن توسط خناسان وطنی حتی در سطح یک نگهبان نفوذی



به نام کلاهی و یا غیره، دور

از شأن و منطق آقای دکتر ابراهیم یزدی است. و همین طور متهم ساختن ایشان به دلیل تماس و ملاقات با دیگران، در راستای اهداف انقلاب، دور از انصاف و اخلاق اسلامی است.

البته آقای کیانوری و یا حزب به طور عام در گزارش‌های خود سعی می‌کردند آقای دکتر یزدی ون شهید چمران و قطب زاده و ... را عوامل آمریکایی معرفی کنند و نظام را از «حضور این عناصر نفوذی» در تشکیلات دولتی بر حذر ساختند و گاهی به طور حضوری نیز می‌گفتند که این‌ها عناصر خطرناکی! هستند... اما نه حقیقت و نه دوستان متشرع و دین باور ما در رده مسئولین هرگز به «گوش خوانی» عناصری چون آقای کیانوری و دیگران، اهمیتی ندادیم و ندادند و هرگز در برداشت ماها در امور، به خاطر این خناس‌ها تغییر حاصل نشد... و من شخصاً و تاکن نه درباره شهید چمران و نه آقای دکتر یزدی و نه شادروان مهندس بازرگان، پس از نیم قرن آشنایی و برادری و شناخت، با سخن این و آن - و حتی دوستان خودمان - تغییر نظر نداده‌ام و امید دارم که تا آخر نیز چنین باشم؛ ولو کره الفاسقون، به امید آنکه در نوشتن تاریخ و یا نقل خاطرات، دقت بیشتری به عمل آوریم و برای تیره خود، خدای نکرده دیگران را متهم نسازیم که در این صورت، فرقی با آنها نخواهیم داشت. والسلام
پی‌نوشت:

۱- «مهرنامه» شماره ۴۱، ص ۱۷۴، سال ششم، مورخ اردیبهشت ۱۳۹۴.

به مناسبت اولین سالگرد رحلت

یادی از آیت الله شب‌زنده‌دار

خود آن مرحوم سؤال کردم، فرمود: پیامبر اسلام (ص) مهمان را در رفتن کمک نمی‌فرمود. آن مرحوم نقل کرد یک بار مرحوم آیت الله حق شناس از چهارم به منزل ما در قم تشریف آورده بودند و آیت الله حسین نوری هملانی جهت دیدار معظم له به منزل ما آمدند مرحوم آیت الله حق شناس می‌خواستند دست‌ایشان به مناسبت نگارش مقالات توحیدی بیوسند البته نمی‌دانم توانستند دستشان را بیوسند بیاورند؟

مرحوم آیت‌الله شب‌زنده‌دار بارها برای بنده نقل فرمود که مرحوم آیت‌الله حق شناس فرموده‌اند، که من هر چه از اخلاق دارم، قسمت عمده آن را از مرحوم آیت‌الله سید علی‌اصغر موسوی لاری آموختم. مرحوم آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری، ایشان را هم ردیف مراجع تقلید فعلی می‌دانستند. بارها مرحوم آیت‌الله موسوی لاری می‌فرمود: که دیگر شما جهرمی‌ها، افرادی مانند آقای شب‌زنده‌دار و آقای کریمی جهرمی را در خواب ببینید!

این سطور در بیت شریف مرحوم آیت‌الله عزیزالله عطاردی امامزاده قاسم تهران قلمی گردید. خداوند ارواح پاک همه این عالمان را غریق رحمت نماید و به زندگان توفیق عنایت فرماید. آمین!

احمد باقریان جهرمی - ۱۳۹۳/۶/۹

از سال ۱۳۴۳ ظهرهای ماه رمضان جهت شرکت در نماز جماعت و استفاده از سخنرانی‌های ارزشمند حضرت آیت الله شب‌زنده‌دار قدس سره به امامزاده ابراهیم چهارم می‌آمدم. مرحوم استاد اولین کسی بود که بنده و گروهی را در سال ۴۴ و ۴۵ با نشریات اسلامی آشنا نمود و بنده و جمعی دیگر نشریه کتابخانه مسجد اعظم قم را - که فقط به مدت ۲ سال انتشار یافت - مشترک شدیم. مقالات مرحوم آیت الله شب‌زنده‌دار در مجله مکتب اسلام - سالنامه و فصلنامه مکتب تشیع و معارف جعفری و نشریه کتابخانه مسجد اعظم قم انتشار می‌یافت. مرحوم استاد یک بار برای بنده نقل فرمودند که مرحوم آقای فلسفی سخنران شهیر فرموده که یک دوره کتاب اعتقادات نگارش یابد، که طبع آنها لازم است. که آیت الله شب‌زنده‌دار کتاب «امامت» را نگاشته بود، ولی بعداً چاپ این دوره کتاب اعتقادات منتفی گردید. و استاد هم حاضر به طبع کتاب امامت خویش نشد، چون دیگران کتابی درباره امامت نوشته و چاپ نموده بودند.

اوایل دهه پنجاه که دو سه بار در قم بر استاد وارد شدم، هنگام ورود به منزل جهت حمل اثاثیه‌ای که همراهم بود، به بنده کمک نمودند ولی هنگام خروج کمکی نفرمود. علت راز

یادداشت پیش رو به قلم حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نصیری، رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد به نقد توجیه پسندگی محبت اهل بیت(ع) برای سعادت و نجات و عدم نیاز به عمل می پردازد؛

گروه‌هایی از اجتماع دین‌داران در اثر تلقی نادرست از مفهوم محبت و ولایت اهل‌بیت(ع) بر این گمان‌اند که محبت آنان اکسیری است جامع که به هیچ ضمیمه‌ای نیاز ندارد. پیداست که اگر شخصی ناآشنا به آموزه‌های دینی، به چنین باوری برسد که تنها راه نجات، محبت قلبی اهل بیت(ع) است و با داشتن یا ادعا کردن چنین محبتی هر کاری برای او رواست، دیگر نمی‌توان پای‌بندی به شریعت با انجام کامل واجبات و ترک محرمات را از او انتظار داشت.

مدعیان کفایت محبت اهل بیت(ع) برای نجات، به روایتی از پیامبر اکرم(ص) استناد می‌کنند که فرمود: حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بَعْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ [۱]؛ محبت علی بن ابیطالب نیکی‌ای است که با آن هیچ گناهی زیان نمی‌رساند و دشمنی با او گناهی است که هیچ نیکی‌ای به آن سود نمی‌دهد. این حدیث در کتاب‌های: اوائل‌المقالات شیخ مفید (م ۴۱۳)، الروضة فی فضایل امیرالمؤمنین شاذان بن جبریل قمی (م ۶۶۰)، عوالم اللالی ابن ابی‌جمهور احسائی (م ۸۸۰)، بحارالانوار علامه‌مجلسی (م ۱۱۱۱) و برخی دیگر از منابع آمده است.

معروف است که حاجب بروجردی، قصیده‌ای زیبا در مدح حضرت امیر(ع) سرود که شاه‌بیت آن این بود: حاجب اگر محاسبهٔ حشر با علی است/ من ضامنم که هر چه بخواهی گناه کن!

همان شب در عالم رؤیا امام را در خواب دید که به او فرمود، شعت را این چنین اصلاح کن:

حاجب اگر محاسبهٔ حشر با علی است

شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن! در نقد چنین تفکری باید گفت: پسندگی محبت اهل بیت(ع) برای سعادت و نجات و عدم نیاز به عمل، با ادلهٔ مختلف قابل نقد است. تمام آیات و روایاتی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده و در آن‌ها بر ضرورت عمل در کنار ایمان، تأکید شده است این مدعا را که اگر کسی در قلب خود اهل بیت(ع) را دوست داشته باشد، برای سعادت و نجات او کافی است، رد می‌کند. افزون بر آن، چگونه می‌توان مدعی محبتی شد که به دنبال آن همراهی و هم‌گرایی نباشد و میان محب و محبوب هیچ گونه سنخیتی در عمل و منش مشهود نباشد. چنان‌که قرآن دربارهٔ رابطهٔ محبت به خداوند و اطاعت از او چنین آورده است: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ [۲]؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است. چنان‌که پیداست، در این آیه بر ضرورت همراهی با عمل و پیروی از خواسته‌های محبوب تأکید شده است. نیز امام‌صادق(ع) دربارهٔ ضرورت همراهی اطاعت با محبت خداوند فرمودند: «ما احب الله من عصاه»؛ کسی که گناه می‌کند، خدا را دوست نمی‌دارد.

آن‌گاه به این شعر استناد فرمودند:

تعصی الاله و انت تظهر حبه

هذا لعمری فی الفعال بدیع

لو کان حبک صادقا لاطعته

ان المحب لمن یحب مطیع [۳] خدا را معصیت می‌کنی و ادعا می‌کنی که او را دوست می‌داری! به جانم سوگند، این رفتار شگفت‌آور است. اگر محبت تو صادقانه باشد، او را اطاعت می‌کردی، زیرا محب آن را که دوست دارد، اطاعت می‌کند. بنابراین، کسی که مدعی محبت اهل بیت(ع) است، نمی‌تواند خود را از اطاعت آنان بی‌نیاز پندارد.

عدم کفایت محبت اهل بیت(ع) برای

سعادت از نگاه روایات

درنگریستن در روایات ائمه نشان می‌دهد که در آن‌ها بر ضرورت همراهی محبت آنان با عمل و فریفته‌نشدن به صرف محبت، تأکید شده است. برای نمونه، شیخ کلینی در کتاب شریف کافی در بابی با عنوان «بَابُ الطَّاعَةِ وَ التَّقْوَى» روایاتی دربارهٔ جای‌گاه اطاعت و تقوا آورده که در آن‌ها بر عدم کفایت محبت اهل بیت(ع) و حتی ولایت آنان بدون همراهی با عمل‌صالح، تأکید شده است.

در روایت سوم این باب آمده است: جابر می‌گوید: اصام باقر به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟ به خدا سوگند، شیعه ما نیست، جز آن‌که از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید. ای جابر، ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی، خشوع، امانت‌داری، بسیاری یاد خدا، روزه، نماز، نیکی به والدین، اهتمام به همسایگان، مستمندان، بدهکاران و یتیمان، راستگویی، تلاوت قرآن، نگاه داشتن زبان از مردم جز به نیکی و امانت‌داری در همه چیز در میان تبار خود. جابر می‌گوید عرض کردم: «یا ابن رسول‌الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمی‌شناسیم.»

امام فرمود: ای جابر، به راه‌های مختلف مرو! آیا برای شخص کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این فعالیت دینی نکنم؟! پس اگر بگوید: من رسول خدا (ص) را دوست دارم، رسول خدا که بهتر از علی است، سپس از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد. پس از خدا پروا کنید و برای آن‌چه نزد خداست عمل کنید. خدا با هیچ‌کس خویشی ندارد؛ دوست‌ترین بندگان خدای عزوجل [و گرامی‌ترینشان نزد او] باتقواترین و مطیع‌ترین آن‌هاست. ای جابر، به خدا جز با اطاعت به خدای تبارک و تعالی نمی‌توان تقرب جست و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد. هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست؛ ولایت ما جز با عمل کردن به ورع به‌دست نیاید. [۴]

در روایت ششم همین باب، امام باقر(ع) شیعه را این‌چنین مورد خطاب قرار داده است: ای گروه شیعه، شیعهٔ آل‌محمد! شما تکیه‌گاه میانه باشید تا آنکه غلو کرده؛ به‌سوی شما برگردد و آن که عقب مانده خود را به‌شما رساند... به خدا ما از جانب خدا براتی نداریم و میان ما و خدا قربانی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به سوی او تقرب نمی‌جویم. پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد، دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد. وای بر شما! مبدا فریفته شوید. وای بر شما! مبدا فریفته شوید. [۵]

در روایت دیگر ابی‌شبل می‌گوید: به امام‌صادق(ع) عرض کردم: مرد مسلمانی مرتکب گناه شده و با کنیز برادر خود مرتکب زنا شده است؛ توبهٔ او چگونه است؟ امام فرمود: «نزد بردارش برو و به او بگوید که چنین کرده است و از او بخواهد که او را حلال کند و دیگر به این کار بازنگردد.» گفتم: اگر او را حلال نکند چه می‌شود؟ امام فرمود: «در این صورت، خداوند متعال را در حالی که زناکار و خائن است، دیدار خواهد کرد.» گفتم: آیا در آتش خواهد افتاد؟ امام فرمود: «شفاعت پیامبر و شفاعت ما، گناهان شما را حیط می‌کند. ای گروه شیعه! با ادعای تکیه‌کردن به شفاعت ما به گناه بازنگرید. سوگند به خدا، کسی که مرتکب چنین گناهی شود به شفاعت ما نایل نمی‌شود، مگر آن‌که سختی عذاب به او برسد و مهابت جهنم را ببیند. [۶]

در روایت دیگر، امام باقر (ع) خطاب به جابر چنین فرمود: بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ، وَ أَعْلِمُهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ لَهُ. يَا جَابِرُ، مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا، وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا [۷]. به شیعهٔ من سلام مرا برسان و به آنان اعلام کن که میان ما و خداوند متعال قرابت و آشنایی نیست و جز با اطاعت خداوند، تقرب به او حاصل نمی‌شود. ای جابر، هر کس خداوند را اطاعت کند، او ولی ماست و هر کس خداوند را معصیت کند، محبت ما او را

سودی نمی‌بخشد.

نکات قابل استفاده از روایات

از روایات پیش‌گفته که بر همراهی محبت اهل‌بیت(ع) با عمل و اطاعت از خداوند تأکید کرده‌اند، شش نکتهٔ مهم قابل استفاده است:

۱. در این روایات، اهل بیت(ع) پیوسته شیعه را با عبارتی همچون «یا معشر الشیعه» مورد خطاب قرار داده‌اند. این امر از اهمیت آموزه‌هایی که در این روایات آمده، حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، از این روایات می‌توان دریافت که به خاطر احتمال ابتلای شیعه به آسیب‌های رفتاری، اهل بیت آنان را این‌چنین مورد خطاب قرار داده‌اند.

۲. در برخی از این روایات بر عدم کفایت محبت اهل‌بیت بدون تقوا تأکید شده است؛ نظیر روایت نخست که در آن عبارت: «أَيُّكُنْفِي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِعُ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» آمده است. در برخی دیگر از روایات، به عدم کفایت ولایت اهل بیت بدون تقوا توجه شده است؛ نظیر روایت دوم که در آن این عبارت آمده است: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَتَفَعَّلَهُ وَلَا يَتَنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًا لِلَّهِ لَمْ تَنْفَعَهُ وَلَا يَتَنَا».

۳. در بخشی از این روایات آمده که محبت و ولایت اهل‌بیت بدون تقوا و ورع برای نجات سود نمی‌بخشد و در بخشی دیگر آمده که بدون تقوا و ورع اساسا ولایت محقق نمی‌شود. چنان‌که در روایت نخست، عبارت: «مَا تَفَعَّلَهُ حُبُّهُ إِلَّا بِأَيَّ شَيْئًا» به عدم سودرسانی محبت اهل‌بیت ناظر است و عبارت: «مَاتَتَالِ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ»، بر عدم تحقق ولایت بدون عمل و تقوا تأکید کرده است.

۴. اهل بیت مکررا این نکته را مورد تأکید قرار دادند که میان آنان و خداوند قرابت و آشنایی وجود ندارد؛ این در حالی است که آنان به جای‌گاه و مقام خود نزد خداوند، مانند مقام شفاعت اشاره کرده‌اند (نظیر روایت سوم) نکتهٔ بسیار مهم، عبارت: «وَيُحْكِمُ لَاتَتَمَرُّوا وَيُحْكِمُ لَاتَتَمَرُّوا» است که در روایت دوم آمده است. امام باقر با این عبارت دو بار بر این نکته تأکید کرده است که: ای شیعیان، به محبت و ولایت ما فریفته نشوید. این درست نظیر آن دسته از آیات قرآن است که در آن‌ها بر فریفته‌نشدن به رحمت الهی تأکید شده است؛ نظیر آیه: فَلَا تَتَّخِزْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَتَّخِزْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ [۸]. پیداست اهل‌بیت شیعیان خود را در خطر درغلنیدن در آسیب فریفته شدن به محبت و ولایت آنان می‌دیدند که این‌چنین به آنان نهیب زده و به آنان هشدار می‌دادند که مبدا تنها به محبت و ولایت تکیه کرده و عمل و تقوا را رها سازند. ۵. در روایت دوم به دو گونه آسیب در حوزهٔ رفتاری شیعیان توجه شده است که عبارتند از: ۱. غلو دربارهٔ اهل‌بیت. ۲. فریفته‌شدن به ولایت و محبت آنان و ترک عمل صالح.

۶. شاه‌بیت این روایات آن است که ولایت و محبت اهل بیت بدون عمل صالح، تقوا و ورع برای تقرب به خداوند، ورود به بهشت و دور ماندن به جهنم کفایت نمی‌کند. این امر در روایت نخست با ذکر شماری از اعمال صالح در حوزهٔ اخلاق‌بندگی، همچون نماز و روزه و اخلاق اجتماعی، همچون رسیدگی به همسایگان و مستمندان مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل روایت «حب علی حسنه»

دربارهٔ روایتی که در آن محبت حضرت امیر(ع) حسنه‌ای اعلام شده که با آن هیچ گناهی زیان نمی‌رساند، باید گفت که مفهوم این روایت – همان‌گونه که بزرگان شیعه یادآور شده‌اند – به هیچ روی چنان نیست که طرفداران اباحه‌گری مدعی می‌شوند.

برای نمونه، شیخ‌مفید معتقد است که خداوند سوگند خورده است که دوست‌دار علی را در آتش دوزخ نمی‌سوزاند. بدین جهت، برای کيفر گناهان بزرگش او را در برزخ عذاب می‌کند. بنابراین، مراد از این روایت رفع عذاب از دوست‌داران حضرت‌امیر(ع) در قیامت است، نه آن‌که مطلقاً عذاب از آنان حتی در برزخ برداشته شود.

نیز به استناد روایاتی از اهل بیت(ع)، شیعیان گناهکار به صورت‌های مختلف، نظیر بیماری، همسایه و یا همسر ناشایست در دنیا کيفر می‌بینند و اگر هم‌چنان بدهکار خداوند باشند، به هنگام جان‌دادن بر آنان سخت گرفته

می‌شود. بنابراین، به هر روی آنان باید کيفر کارهای ناشایست خود را پس دهند و چنان نیست که گناه با داشتن محبت اهل بیت(ع) با کيفر همراه نشود.

از سویی دیگر، محبت امام علی(ع) خود زمینه‌ساز ایمان کامل و تشیع صحیح است. بنابراین، مقصود از بسنده‌بودن محبت امام علی، کفایت آن بدون عمل نیست، بلکه مقصود بیان اهمیت و نقش آن در ایمان و پای‌بندی به اعمال صالح است.

یکی از عالمان شیعه در توضیح این حدیث چنین آورده است: باید معنای حدیث را دانست و کسی حق ندارد گمان کند که صرف ادعای محبت علی ارتکاب محرمات، ترک عبادات و گستاخی در انجام گناهان را تجویز می‌کند، زیرا محب هیچ‌گاه مخالف رضای محبوب خود عملی را مرتکب نمی‌شود. پس گمان نبر اگر کسی بگوید که من علی را دوست دارم و او را ولی خود می‌دانم، آن‌گاه در معاصی غوطه‌ور شود، از آخرت و عذاب آن در امان است؛ نه هرگز چنین نیست. [۹] طریحی نیز پس از نقل این روایت، چنین می‌گوید: ظاهراً مقصود از محبت، محبت کامل است که سایر اعمال بدان افزوده می‌شود، زیرا ایمان کامل حقیقی همین است؛ اما غیر از آن یعنی ایمان بدون عمل، ایمان مجازی خواهد بود.

پی‌نوشتها:

[۱]. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۳۸.

[۲]. آل عمران، آیه ۳۱.

[۳]. الامالی، ص ۴۸۹.

[۴]. کافی، ج ۲، ص ۷۴.

[۵]. همان، ج ۵، ص ۴۶۹.

[۶]. همان، ج ۵، ص ۴۶۹.

[۷]. الامالی، ص ۲۹۶.

[۸]. لقمان، آیه ۳۳.

[۹]. الخصائص الفاطمیه، ج ۲، ص ۴۳۶.

نرم‌افزار آثار آیت‌الله شهید

صدر در قم تولید شد

نرم‌افزار آثار آیت‌الله شهید سید محمد صدر (ره) با متن کامل ۶۲ عنوان کتاب در ۹۸ جلد از آثار ایشان و دیگر منابع مرتبط با آثار این عالم فقیه، به زبان عربی و فارسی و انگلیسی در موضوع تفسیر و علوم قرآن، اخلاق، عقاید، مهدویت، سیره و تاریخ، احکام شرعی و اصول فقه به تولید رسید.

این نرم‌افزار که قابلیت نصب بر روی سیستم عامل ویندوز را دارد، به سفارش موسسه المنتظر لاحیاء تراث آل الصدر و به همت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تولید شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.

اخلاق، عقاید، مهدویت، سیره و تاریخ، احکام شرعی، اصول فقه، فقه، حقوق، خانواده، شعر و فیزیک از جمله مواردی است که همراه زندگینامه آیت‌الله شهید صدر در این نرم‌افزار گنجانده شده است.

همچنین در این نرم‌افزار کتب منه‌المنان فی‌الدفاع عن القرآن، بین‌یدی‌القرآن، موسوعه الامام المهدی (عج)، منهج الصالحین، ما وراء‌الفقه، منهج الاصول، فقه‌الموضوعات الحدیثه و فقه اخلاق و اضواء علی ثوره‌الحسین (ع) در دسترس قرار گرفته است.

کتاب الدر النضید فی شرح سبب صغر الجسم البعید، تاریخ غیبت کبری، فقه‌الفضا، کتاب الطهاره، محاضرات فی علم اصول الفقه، نظرات اسلامیة فی اعلان حقوق الانسان، رفع الشبهات عن الانبیاء، تکالیف مسلمانان در عصر غیبت و مجموعه اشعار الحیاءه نیز از دیگر کتبی است که در این نرم‌افزار وجود دارد.

همچنین دسترسی به فایل‌های صوتی این عالم فقیه با مضامین دروس فقه و اصول و تفسیر، سخنرانی‌ها، موعظه‌ها و خطبه‌های نماز جمعه وجود دارد.

جست‌وجوی ساده و پیشرفته در فهرست و متن کتب برنامه، دسترسی به عنوان باب‌ها و سرفصل‌های متون برنامه به وسیله فهرست‌گزینشی، قابلیت‌های متنوع پژوهشی به همراه امکان یادداشت‌برداری، ذخیره سازی، ویرایش و چاپ متن نیز از دیگر امکانات این نرم‌افزار است.

تشکیک در مطالب نهج البلاغه، تلاشی باطل و نافرجام است

رئیس بنیاد بین المللی نهج البلاغه تصریح کرد: همه تلاش های تشکیک کنندگان در مطالب نهج البلاغه از دیرباز تاکنون، تلاشی باطل و نافرجام بوده است و خواهد بود.

آیت الله سید جمال الدین دین پرور طی سخنانی در سمینار عظمت نهج البلاغه که در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) قم برگزار شد، بر لزوم آشنایی هر چه بیشتر طلاب و فضایی ایرانی و غیرایرانی با این کتاب شریف و مفاهیم بلند و متعالی آن تاکید کرد و ابراز داشت: کلام حضرت امیر(ع) حقیقتاً کلامی راهگشا است و اگر انسان به درستی در بیانات و سخنان امام علی(ع) دقت کند و همچنین عظمت این کلام به گوش همه جهانیان برسد قطعاً همه مردم جهان عاشق آن شده و در صورت عمل به آن ها تحولی عظیم در دنیا رخ خواهد داد.

این استاد حوزه همچنین با اشاره به این که سخنان گهربار حضرت علی(ع) نقش اساسی در نشان دادن راه سعادت حقیقی فراروی بشریت گذاشته است، گفت: اهمیت این کتاب و سخنان امیرالمومنین(ع) تا بدانجاست که دشمنان به صورت هدفمند در پی آن هستند تا در مطالب آن ایجاد شبهه کنند و به زعم خود نگذارند که احاد مردم به خصوص نسل جوان از معارف بلند آن بهره مند گردند.

وی در ادامه بیان داشت: سخنانی که در نهج البلاغه گردآمده حاصل زحمات چندین ساله، عالم بزرگ شیعی، سید رضی است که در قرن چهارم هجری با تلاش های بسیار این دانشمند بزرگ جمع آوری و تدوین شد.

این محقق و پژوهشگر برجسته نهج البلاغه تصریح کرد: گرچه مناسفانه در طول تاریخ برخی افراد در مطالب کتاب شریف نهج البلاغه تشکیک ایجاد کرده اند ولی این تلاش ها همه باطل است چرا که مباحث و موضوعات این کتاب مطالبی نیست که یک انسان معمولی آن را بیان کرده باشد، ضمن آن که شخصیتی چون ابن ابی الحدید نیز به دفاع از سید رضی در گردآوری این کتاب بزرگ پرداخته است.

رئیس بنیاد بین المللی نهج البلاغه افزود: انسان با دقت در متن و آهنگ خطبه ها، نامه ها و سخنان حضرت علی(ع) متوجه می شود که همه مطالب با سبک آهنگین و پرمحتوا بیان شده است و چه دلیلی بالاتر از این که همه خطبه ها، نامه های موجود در نهج البلاغه دلیل بر حقانیت سخنان گهربار امام علی(ع) است.

وی گفت: سید رضی شخصیتی ممتاز، مورد وثوق و دانشمندی با تقوا، شاعر و فقیه بوده است که در قرن چهارم در عراق با وسواس علمی خاصی به گزینش کلام و سخنان حضرت علی(ع) پرداخته و این طور نبوده که هر کلامی را نقل کرده باشد، بنابر این سند این کتاب از نظر ما صحیح و مورد اطمینان است.

آیت الله دین پرور همچنین یادآور شد: کتاب نهج البلاغه از قرن چهارم تا قرن شش، حدود دویست سال کسی در سخنان و نامه های گردآوری شده آن شک و شبهه ای نکرده بود و تمامی شبهات از بعد از قرن ششم به وجود آمده که سردمدار آن در این قضیه، فردی از خاندان بنی امیه و وابسته به دستگاه ابوسفیان و یزید است که شبهاتی را مطرح کرده مبنی بر اینکه این مطالب جمع آوری شده در نهج البلاغه، سخنان حضرت علی(ع) نیست بلکه مطالبی است که خود سید رضی و برادرش بیان کرده اند.

وی در خاتمه ابراز داشت: امروز همان اشکالات را دستگاه آل سعود بیان می کند و در بین حجاج این شبهات را ترجمه کرده و پخش می نماید و طرح این نوع شبهات خود بیانگر این حقیقت است که رژیم آل سعود و همپیمانان او به دنبال آن هستند تا مردم به حقانیت کلام حضرت امیر(ع) پی نبرده و گمراه بمانند اما به یاری الهی همه تلاش های آنان نافرجام خواهد بود.

عبدالهادی فقهی زاده تشریح کرد:

جایگاه برجسته آیت الله العظمی خویی(ره) در سه حوزه قرآن، حدیث، فقه



مجموعه همه روایات کتب اربعه همه معتبر و قابل عمل باشند ایشان نمی خواهند بگویند که اغلب روایات قابل عمل یا معتبر نیستند، بلکه می خواهد این عقیده اخباریان افراطی که معتقد بودند همه روایات کتب اربعه صحیح، قطعی الصدور و قابل عمل اند را دفع کند. ایشان می خواهد بگوید درصد کمی از این روایات هستند که دچار مشکل سندی و متنی هستند و از نظر رجالی - سندی و فقه الحدیث متنی باید بررسی شوند و در نتیجه این بررسی ها چه بسا بطلان برخی از این روایات ثابت بشود.

وی ادامه داد: در طی بیست و سه جلد پس از این مقدمات، ایشان عقاید بسیار خاصی را اظهار کردند و برخی از رجالیان شیعه و روات مشهور به وثاقت یا مشهور به عدل را جرح کردند و برخی از کسانی که مجروح بودند و مورد نقد رجالیان متقدم و متاخر شیعه قرار گرفتند را مورد تایید و دفاع قرار دادند.

استاد دانشگاه تهران افزود: البته ایشان در تدوین این کتاب از برخی شاگردان برجسته خود که از مراجع برجسته جهان شیعه بودند استفاده کرده اند.

جایگاه آیت الله العظمی خویی در فقه

وی ادامه داد: در حوزه اصول و فقه هم ایشان جایگاه برجسته ای دارند و برای مثال ایشان در فقه و در خصوص قضا کتابی دارند به نام تکمله المنهاج که محل مراجعه فقها و طلاب است و در بسیاری از مراکز فقهی و حوزوی تا آنجایی که اطلاع دارم محل تدریس و تدریس است.

فقهی زاده تصریح کرد: جایگاه ایشان بسیار ممتاز است، هم از حیث ترویج مبنای و آموزه های دینی در حوزه های سه گانه ای که عرض کردم و هم در حوزه خاصی که لازم است ذکر شود و آن پرورش برجستگان عالم شیعی در جهان معاصر است.

وی در پایان گفت: آیت الله العظمی خویی در حوزه افغانستان شاگردی چون آیت الله محمدآصف المرحوم، در لبنان و جبل عامل که یکی از مهم ترین بخش های جهان تشیع است آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین که از محضر ایشان استفاده کرده اند، در ایران سید محمود هاشمی شاهرودی و در عراق سید علی سیستانی که مفتخر به شاگردی طولانی و عمیق ایشان بودند را داشتند. البته عده زیادی از علمای در قم و عراق توفیق شاگردی از ایشان را داشتند که این توفیق شاید در مراجع شیعی نصیب کمتر کسی شده باشد.

آیات منسوخ آیاتی نیستند که حکم شان باطل شده باشد و یا معارف و آموزه های الهی مطرح شده در آنها موقت بوده و حکمش به سر آمده باشد و در مقابل نشان داد که اغلب این آیات منسوخ معتبرند و حکمشان قابل اعتناست و می تواند مبنای عمل و فکر دینی قرار بگیرند و ایشان در حقیقت اتهام نسخ را از آیات منسوخه دور کرد.

ایشان همه احادیث کتب اربعه را صحیح نمی دانست

وی با بیان اینکه آنچه آیت الله خویی در سوره مبارک حمد عرضه کرده اند دارای دقت نظرهای بسیاری است، گفت: نکته دیگر تحقیقات حدیثی و رجالی ایشان است که بسیار زیان زد است، در این میان می توان از اثر شاخص و عظیم ایشان با عنوان معجم رجال الحدیث که شامل شش مقدمه عالمانه در عرصه علم رجال است اشاره کرد.

استاد دانشگاه تهران افزود: در این شش مقدمه که هر کدام در خصوص شاخه و رشته ای است، از نگرش های کلی ایشان به مباحث تئوری علم رجال خبر می دهد. مثلاً ایشان در مقدمه علم اول پس از اثبات ضرورت و کارایی علم رجال، به ابطال نظریه مهمی می پردازد که عقیده ای است که در میان افراطیون اخباریان مطرح است، ایشان معتقدند که همه احادیث کتب اربعه قطعی الصدور است و صحیح است که این اعتقاد شبیه اعتقادی است که در جهان اهل سنت در خصوص تمام احادیث و روایات صحاح سته وجود دارد و آن ها را معتبر، صحیح و قابل عمل می دانند.

فقهی زاده تصریح کرد: دامنه این اعتقاد در میان شیعیان بسیار کم است و همین الان هم در حوزه های علیمه جسته و گریخته از طرفدارانی برخوردار است. ایشان طی صفحات متعدد با دقت مجتهدانه به ابطال این عقیده پرداخته و گفته اند که این طور نیست که

دکتر عبدالهادی فقهی زاده، استاد دانشگاه تهران در گفت و گو با خبرنگاری بین المللی قرآن (ایکنا)، در خصوص جایگاه آیت الله العظمی سیدابوالقاسم خویی(ره) در اندیشه دینی، گفت: آیت الله العظمی سیدابوالقاسم خویی یکی از برجسته ترین مراجع دینی معاصر که شاگردان بزرگی در حوزه مختلف علوم دینی داشتند، این نقش را در سه حوزه کلی قرآنی-تفسیری، حدیثی-رجالی و اصولی-فقهی می توان دید.

کتاب آیت الله العظمی خویی در علوم قرآنی

فقهی زاده ادامه داد: ایشان در حوزه قرآن کتاب برجسته ای به نام البیان فی تفسیر قرآن دارد که علی رغم نامش که باید در مطالعات تفسیری باشد، بخش مهمی از آراء ایشان در خصوص علوم قرآن به معنای خاصش را در بر می گیرد و فقط در پایان این کتاب، تفسیر سوره حمد آمده است و مشهور است که ایشان قصد داشته است این مباحث را که در کتاب آمده به عنوان مقدمه تفسیر قرآن قرار دهد، اما این فرصت را عملاً پیدا نکردند و تنها سوره حمد را تفسیر کرد.

وی افزود: این کتاب اثری فاخر در حوزه مطالعات علوم قرآنی بوده و مطالعات پیشاتفسیری است و مطالب درخشانی پیرامون قرآن مطرح کرده است. برای نمونه ایشان در خصوص نسخ عقیده ای دارند که مورد توجه بسیاری از دانشمندان مسلمان به خصوص شیعه توجه قرار گرفت. تا کنون دو ترجمه خوب از این کتاب صورت گرفته است و حوزه و دانشگاهی تدریس می شود. ایشان دیدگاه های بسیاری از زنده ای در این زمینه دارند که با رویکرد خاص ایشان همراه است.

نظر درخشان آیت الله العظمی خویی درباره جمع آوری قرآن

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: در خصوص جمع آوری قرآن، ایشان خط بطلانی کشیدند بر گمانه های بسیار ریشه داری که در جهان اسلام اعم از شیعه و سنی وجود داشت و سابقه جمع قرآن را به بعد از حیات پیامبر(ص) بر می گرداندند و ایشان نشان دادن که قرآن در زمان حیات رسول الله اعظم(ص) گردآوری شده و پس از وفات ایشان تدوین نشده و این کار بعد از انتشار کتاب، مورد استقبال پر شمار دانشمندان علوم قرآن شیعی و بعضاً سنی قرار گرفت.

ایشان نسخ حکم آیات را قبول نداشتند

فقهی زاده تصریح کرد: در زمینه نسخ ایشان تلاش بسیار ارزنده ای کردند که نشان بدهند، نسخ به معنای ابطال حکم آیات در قرآن زمینه ندارد، به این معنا که

برای بیش از ۱۰ هزار طلبه؛

پردیسان صاحب حوزه علمیه می شود

به گفته حجت الاسلام میرمومنی در ساخت این حوزه علمیه فضاهایی همچون کلاس های درس، خوابگاه، استخر، مسجد و امکانات مرتبط پیش بینی شده است.

تهیه منابع مالی برای ساخت مراکز دینی و حوزوی به دلیل کمبود منابع مالی دولتی همواره یکی از دغدغه های بانیان این مراکز است اما حجت الاسلام میرمومنی با پشتوانه یکی از خیران نیکوکار، عملیات ساخت این حوزه علمیه را آغاز کرده و امیدوار است که ادامه ساخت این مرکز حوزوی با مشارکت سایر خیران روی زمین نماند.

حجت الاسلام میرمومنی گزیری به آسیب های فرهنگی در پردیسان به دلیل جمعیت انبوه ساکن در این منطقه و آپارتمان نشینی خانواده ها زد و ابراز امیدواری کرد که با توسعه مراکز دینی و حوزوی و گسترش فعالیت های فرهنگی حوزه دین، اشتیاق جوانان به حضور در این مراکز بیشتر شود و فعالیت های فرهنگی و تبلیغی حوزه علمیه بر اصلاح سبک زندگی شهروندان تاثیر بگذارد.

در حال حاضر حدود ۱۳۰ هزار نفر در منطقه پردیسان قم سکونت دارند اما چشم انداز تعریف شده برای این منطقه حکایت از سکونت ۳۰۰ هزار نفر در این منطقه دارد.

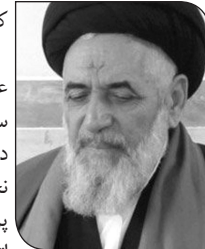
کلاس ها غیبت دارند.

با مشکلاتی که برای طلاب و جوانان علاقه مند به تحصیل در حوزه وجود دارد، ساخت حوزه علمیه در پردیسان دور از دسترس نبود. حالا با کمک زنی ساخت نخستین حوزه علمیه در این منطقه، طلاب پردیسان باید منتظر خبرهای خوش از این اتفاق مهم باشند.

موسس حوزه علمیه ۱۴ معصوم علیه السلام پردیسان، حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین میرمومنی است که سابقه درخشانی در ساخت چندین حوزه علمیه در استان های کشور دارد.

او که همزمان ساخت حوزه علمیه در شهر کهک از توابع استان قم را آغاز کرده، در تشریح جزئیات ساخت حوزه علمیه ۱۴ معصوم علیه السلام گفت: این حوزه علمیه در زمینی به مساحت هشت هزار مترمربع ساخته می شود.

امام جمعه کهک افزود: زمین این بنای حوزوی از سوی مسکن و شهرسازی اختصاص یافته و نقشه ساخت حوزه علمیه آماده شده و ما به دنبال انتخاب پیمانکار برای آغاز ساخت این حوزه هستیم.



مهر: منطقه پردیسان که به محله مسکن مهر در قم شهرت دارد، با وجود برخورداری بیش از ۱۰ هزار طلبه علوم دینی، از حوزه علمیه محروم است.

اگرچه پردیسان با معضلاتی همچون خیابان های کم عرض و باریک، نامناسب بودن راه دسترسی، کمبود فضاهای آموزشی و ورزشی، کمبود فضای سبز و مکان های

تفریحی، مشکلات شهرسازی و نبود معماری اسلامی و ده ها معضل دیگر مواجه است، اما کمبود زیرساخت های توسعه فرهنگ دینی از جمله مساجد و مراکز دینی و نبود حوزه علمیه یکی از دغدغه های مهم ساکنان این منطقه محسوب می شود.

طلاب پردیسان - که به گفته موسس تنها حوزه علمیه در این منطقه - تعدادشان از ۱۰ هزار نفر فراتر می رود در ایام تشکیل کلاس های حوزه، مجبورند هر روز مسافت ۸ کیلومتری پردیسان تا قم را رفت و آمد کنند.

این در حالی است که برخی اساتید حوزه علمیه قم معتقدند بسیاری از طلبه ها به دلیل رفت و آمدهای زیاد و نبود زمان کافی، فرصت لازم برای مباحثه و دیگر سنت های اصیل حوزه را ندارند و حتی در بسیاری از

یکی از علمای اهل تسنن لبنان:

علمای اهل سنت به آمریکاستیزی ایران افتخار می کنند

شیخ احمد قطان، رئیس جمعیت قولنا والعمل لبنان، در گفت‌وگو با خبرنگاری رسا درباره وقایع پیش آمده در اراضی اشغالی کرانه باختری سخن گفت و بیان کرد: اقدامات رژیم صهیونیستی و شهرک نشینان اسرائیلی در مسجد الاقصی و به طور کلی در کرانه باختری، مصداق بارز ظلم علیه مسلمانان مظلوم فلسطین است که بدون توجه به جهان عرب و اسلام به جنایت‌های خود ادامه می دهند.

وی حمایت از مردم مظلوم فلسطین را وظیفه عالمان دینی در شرق و غرب دنیا دانست و افزود: مسلمانان در سراسر دنیا باید نسبت به اهانت شهرک نشینان نسبت به شعائر اسلام و هجوم آنان به مسجد الاقصی اعتراض کنند. حمایت از قبله اول مسلمانان و وظیفه‌های بر دوش ملت‌های عربی اسلامی است.

این عالم اهل سنت لبنان ادامه داد: بر اساس فرمایش رسول گرامی اسلام(ص)، اگر مسلمانی نسبت به امور مسلمان اهتنام نداشته باشد از دایره اسلام خارج شده است؛ از این رو مسلمانان اعم از شیعه و سنی باید در صف واحد قرار گرفته و با تکیه بر نقاط مشترک، با تهدیدات پیش روی جهان اسلام مقابله کنند. آمریکا مهم‌ترین تهدید جهان اسلام است که ایران را نماد مبارزه با آن می دانیم. ایران اسلامی توانسته است به واسطه مقاومت در مقابل استکبار جهانی به پیشرفت دست یابد و ما به عنوان اهل سنت لبنان به این کشور اسلامی که به دشمنی با رژیم صهیونیستی و آمریکا ایستادگی کرده، افتخار می کنیم.

شیخ احمد قطان، اقدام شهرک نشینان صهیونیستی مبنی بر آتش زدن خانه یکی خانواده فلسطینی را محکوم کرد و گفت: این اقدام که منجر به سوختن طفل بی گناه فلسطینی در آتش شد، نشان از میزان کینه صهیونیستی‌ها نسبت به مسلمانان دارد.

رئیس جمعیت قولنا و العمل لبنان نسبت به شعارهای تفرقه افکنانه میان مسلمانان در منطقه هشدار داد و تصریح کرد: مسلمانان باید نسبت به فتنه افروزی های دشمن در منطقه هوشیار باشند و نگذارند که افراط گرایان از غفلت ما سوء استفاده کرده و با ایجاد تنش‌های قوی صفوف اتحاد ما را برهم زنند.

وی در ادامه گفت و گو با خبرنگار رسا به موضوع گیری های عربستان سعودی در قبال مساله فلسطین اشاره کرد و گفت: عربستان سعودی، به عنوان یک کشور عربی اسلامی، هیچ گاه در زمینه آزادسازی قدس شریف اقدام مثبتی انجام نداده است و با دشمنی‌های خود علیه مردم مسلمان یمن، از مسیر حقیقی یک کشور اسلامی به کلی خارج شده است.

این عالم اهل سنت لبنان به تشریح انتظارات کشورهای اسلامی از عربستان سعودی به عنوان کشور مدعی خادم الحرمینین پرداخت و گفت: مسلمانان از دولتمردان عربستان توقع داشتند که این کشور با امکانات نظامی که در اختیار دارد با اسرائیل غاصب به مقابله بپردازد و به رهایی مظلومان فلسطین از چنگال استعمارگران صهیونیستی کمک کند، اما متأسفانه عربستان با استفاده از سرمایه کلان خود به جان مسلمانان یمن افتاده است.

شیخ احمد قطان در پایان به منافع مشترک صهیونیست‌ها و گروه‌های تکفیری در منطقه اشاره و تصریح کرد: هیچ گاه دیده نشده که عناصر تروریستی تکفیری با نیروهای نظامی اسرائیلی درگیر شوند و این مساله به دلیل وجود اهداف مشترک تروریستی بین این دو است. گروه‌های تکفیری تروریستی که داعیه اسلام دارند با استکبار جهانی دست به دست هم داده تا به جنگ جهان عرب و اسلام آمده و به راحتی خون مسلمانان را می ریزند. پیوند تکفیری‌ها با غده سرطانی یعنی رژیم غاصب صهیونیستی خطر بزرگی را برای جهان اسلام به وجود آورده است که نه به شیعه رحم خواهد کرد و نه به سنی؛ بلکه برای بشریت یک تهدید به شمار می‌رود.

دکتر گلرو:

نیل به اقتصاد دانش بنیان نقشی انکار ناپذیر در وحدت ملت‌های مسلمان دارد

بخش‌های خصوصی خدمات تخصصی تجاری سازی و شرکت‌های فعال در حوزه صادرات از اهداف جدی این مجموعه است. این دبیرخانه صرفاً بستر ساز و حامی ارتباطات بین المللی با کشورهای مسلمان بوده و این امکانات در اختیار بخش‌های خصوصی قرار خواهد گرفت.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع افزود: با توجه به سوابق ارتباطی بخش‌های خصوصی، کشورهای ترکیه، قزاقستان، مالزی، لبنان و آذربایجان در اولویت ارتباطیست اما همه کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان مورد نظر ما هستند که با توجه به ظرفیتهای ارتباطی و زیر ساختی به تدریج در این خصوص اقدام خواهیم نمود.

دکتر گلرو اظهار داشت: با توجه به تکلیف عمومی مبنی بر اجرای سیاست‌های مورد تأکید مقام معظم رهبری و با استناد به اسناد بالا دستی منجمه برنامه ششم توسعه این دبیرخانه با هدف توسعه علوم و فناوری و ایجاد ارتباطات اقتصادی خصوصاً در حوزه فناوری های نوین فی مابین کشورهای اسلامی ایجاد گردیده است. همانطور که مستحضرید بند ۷۹ قانون برنامه ششم به صورت مستقیم به این موضوع اشاره داشته و ما امیدواریم با تاسیس این مجموعه اقدامات عملی در این خصوص محقق گردد.

وی پیرامون اولویت های این دبیر خانه نیز گفت: بدون شک رشد اقتصادی کشورهای اسلامی و نیل به اقتصاد دانش بنیان نقشی انکار ناپذیر در وحدت جهان اسلام و ملت‌های مسلمان دارد. ایران اسلامی همواره در دستیابی به قله های دانش پیشتاز بوده و این وظیفه همه ماست که با تقویت بخش‌های خصوصی دانش بنیان و نهادهای علمی این تجربیات را به جهان اسلام معرفی نماییم همچنین می بایست با تمام توان در کسب تجارب سایر ملل اسلامی در این حوزه مهم و تاثیر گذار نیز حرکت نموده و از دانش و تجربه نخبگان جهان اسلام استفاده نماییم. این موضوع برای مجموعه تقریب مذاهب موضوعی مهم و بنیادین است و ما سعی داریم با استفاده از ظرفیتهای بالقوه این مجموعه و ارتباطات موجود در کشورهای اسلامی راه را برای ارتباط بخش‌های خصوصی دانش بنیان کشورهای اسلامی هموار نماییم.

جامعه همگرایی ایجاد می کند حوزه فن آوری و علم است، اظهار داشت: الان نرخ رشد علم در ایران قابل رقابت با کشورهای صنعتی است و به این ترتیب امروز می توانیم آنرا به سایر کشورهای اسلامی پیشنهاد و ارائه کنیم.

رئیس دبیر خانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی افزود: ما می خواهیم به کشورهای اسلامی اعلام کنیم که از یک توان و دانشی برخوردار هستیم و می خواهیم آنرا در فضای وحدت با این کشورها به اشتراک بگذاریم و همچنین از دانش سایر کشورهای اسلامی نیز بهره بگیریم.

وی اظهار داشت: دبیر خانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی با هدف استراتژی وحدت، ایجاد بستر لازم برای کار آفرینی و ایجاد ظرفیت برای مؤسسات خصوصی شکل گرفته است.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع همچنین افزود: در حاشیه کنفرانس وحدت سال جاری اولین کمیسیون مرتبط با توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی برگزار خواهد شد.

رئیس دبیر خانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی اظهار داشت: تاکنون اقدامات خوبی در دبیر خانه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی صورت گرفته و مقدمات راه اندازی دفتر این دبیر خانه در چندین کشور اسلامی فراهم شده و هدف ما این است که در همه کشورهای اسلامی این دبیر خانه دارای دفتر مستقل باشد.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع اظهار داشت: هم اکنون این دبیرخانه با بهره گیری از متخصصین این حوزه ایجاد گردیده و همکاری با مجموعه‌هایی منجمه معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت ارتباطات، وزارت بهداشت، وزارت جهاد و غیره در دستور کار این مجموعه است. لازم است به مطلب بسیار مهمی در این خصوص اشاره نمایم و آن استفاده از ظرفیت فوق العاده بخش‌های خصوصیت.

وی افزود: ما کلیه فرآیندهای اجرایی در کشورهای اسلامی را با مشارکت و همراهی بخش‌های خصوصی خدماتی ترسیم نموده ایم لذا استفاده از ظرفیت



دکتر «محمد رضا گلرو» رئیس دبیر خانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی در نشست خبری ضمن اعلام راه اندازی دبیر خانه توسعه علوم و فن آوری کشورهای اسلامی اظهار داشت: امروز دشمنان جهان اسلام برای ضربه زدن به اسلام از اندک روزنه های تفرقه بهره می گیرند و از این روزنه ها ورود پیدا کرده و به اسلام ضربه می زنند.

وی اظهار داشت: ایجاد گروه‌های تکفیری و حرکت های ضد انسانی که هدف اصلی آنها تخریب چهره اسلام است تنها موفقیتی است که دشمنان اسلام طی سال های اخیر برای خود ایجاد کرده اند و این موفقیت ها نیز فقط از طریق تفرقه بوده است.

دکتر گلرو در ادامه با اشاره به اهداف انقلاب اسلامی اظهار داشت: یکی از کلیدی ترین و مهم ترین واژگان انقلاب اسلامی وحدت بوده و همه بزرگان انقلاب اسلامی از جمله امام راحل و مقام معظم رهبری همواره بر وحدت تأکید داشته اند.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع اظهار داشت: سال هاست که در حوزه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در مبنای نظری و حوزه فقهی کارهای بسیار جدی صورت گرفته است و عملاً امکان تقریب مذاهب اسلامی به وسیله فلسفه نظری به اثبات رسیده است. وی افزود: رویکرد مجمع جهانی تقریب از آغاز تا کنون بر برگزاری اجلاس در میان علما و نخبگان استوار بوده است اما از سال ۹۳ و با تدبیر آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب رویکرد مجمع توسعه پیدا کرد و مجمع تقریب به حلقه های مختلف جامعه نیز ورود پیدا کرد.

معاون امور اجرایی و برنامه ریزی مجمع افزود: مجمع جهانی تقریب برای اینکه بتواند به زبان مشترکی با اقشار مختلف دست یابد و از این زبان برای مستحکم تر کردن پیمان وحدت استفاده کند اقدام به دعوت از اقشار مختلف در بیست و هشتمین کنفرانس وحدت نمود و در حاشیه این کنفرانس نشست هایی در حوزه های رسانه، بازرگانان، احزاب، علمای مقاومت، بانوان و دانشگاهیان برگزار کرد.

وی با بیان اینکه یکی از حوزه هایی که بین افراد

معاون فرهنگی مجمع تقریب تشریح کرد:

خبررسانی تقریبی از جنس خبررسانی قرآنی است

است.

وی ابراز کرد: همچنین همکاری با شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی و خارجی همسو مانند المیادین عراق، المناره لبنان و المسیره یمن و تعامل با خبرگزاری‌های کشور از جمله خبرگزاری‌های دینی و قرآنی از سایر اقدامات رسانه‌ای مجمع جهانی تقریب



است و قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». در روایات ریسمان الهی، اهل بیت(ع) معرفی شده‌اند؛ یعنی محور وحدت اهل بیت(ع) هستند.

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب خاطر نشان کرد: امروز بین همه مسلمین، مرجعیت دینی و علمی اهل بیت(ع) و محبت آنها می‌تواند محور مطلوب وحدت و انسجام باشد. کاهش جنگ و خونریزی و برطرف شدن برادر کشی‌هایی که صهیونیست‌ها و مجموعه استکبار جهانی به دنبال آن هستند تنها با ظرفیت وحدت میسر و ممکن است و رسانه‌ها می‌توانند در پیشبرد این آرمان اسلامی تأثیرات به سزایی داشته باشند.

حجت‌الاسلام گل‌زاده با اشاره به فعالیت‌های رسانه‌ای مجمع تقریب در حوزه وحدت اسلامی گفت: مجمع تقریب به اقتضای دغدغه جدی خود در توسعه وحدت و تقریب و گسترش اخوت و برادری اسلامی اقدامات گسترده‌ای را در این جهت سامان داده است. تاسیس خبرگزاری تقریب، فعال سازی ده‌ها سایت به زبان‌های مختلف در حوزه معاونت فرهنگی و مراکز علمی چون پژوهشگاه مطالعات تقریبی و دانشگاه مذاهب اسلامی از جمله این اقدامات د حوزه خبررسانی تقریبی

حجت‌الاسلام والمسلمین صادق گل‌زاده، معاون فرهنگی و پژوهشی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در گفت‌وگو با (ایکنا) به مناسبت روز خبرنگار درباره نقش رسانه‌ها در تحقق وحدت در جهان اسلام به ویژه در شرایط فعلی، گفت: خبر، خبررسانی و اطلاع‌رسانی از بهترین ظرفیت‌ها برای تعامل انسان‌ها با یکدیگر است. از دیرباز نیز انسان‌ها خواسته‌های خود را در قالب پیام به یکدیگر منتقل می‌کردند و در جهان معاصر این انتقال پیام با استفاده از رسانه صورت می‌گیرد.

وی افزود: بحث خبررسانی سالم یک دغدغه اساسی برای انسان‌هاست. افراد می‌خواهند اخبار و اطلاعاتی که دریافت می‌کنند حقیقت داشته باشد، صادقانه بیان شده باشد و از دروغ، جوسازی، بحران‌آفرینی و خشونت‌طلبی به دور باشد.

حجت‌الاسلام گل‌زاده اظهار کرد: در این میان رسانه نقش مهمی در تبیین مفهوم الهی، انسانی و اسلامی وحدت و تقریب ایفا می‌کند. وحدت و تقریب از این جهت مفهومی انسانی است که خود واژه انسان از انس می‌آید و انسان‌ها تمایل به زندگی در کنار یکدیگر دارند پس تقریب و نزدیکی در تعاملات انسانی امری طبیعی است.

وی ادامه داد: از طرفی وحدت مفهومی اسلامی

وی در پایان عنوان کرد: خبر و اطلاع‌رسانی در حوزه تقریب از جنس خبر و اطلاع‌رسانی قرآنی است و اگر روزی ایکن فاقد خبری از حوزه تقریب و وحدت باشد آن روز باید حتما تأمل کرد که چرا چنین اتفاقی رخ داده است.

نامه مهم «حضرت آیت الله مکارم شیرازی» به «شیخ الازهر»



در پی اتهاماتی که شیخ الازهر در سلسله برنامه های تلویزیونی ماه مبارک رمضان متوجه مذهب اهل بیت (ع) کرد، آیت الله العظمی «مکارم شیرازی» با ارسال نامه ای به دکتر «احمد الطیب»

خواستار تشکیل یک کنفرانس علمی با حضور علمای برجسته هر دو مذهب جهت بررسی موانع وحدت شدند. متن کامل ترجمه نامه آیت الله مکارم شیرازی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشوقتم که زیباترین تبریکات خویش را به مناسبت عید سعید فطر به شما تقدیم نمایم.

در آغاز، به دلیل بیانات سرشار از ممانعت شما در ویژه برنامه تلویزیونی «حدیث شیخ الازهر» در ماه رمضان سال جاری، که با موضوع اختلافات شیعه و سنی درباره امامت و صحابه بود، از جنابعالی سپاسگزاری می کنم. از تلاش بیپوسته شما در تحقق وحدت میان مسلمانان تشکر می نمایم.

ما از برخی سخنان جنابعالی بسیار خرسندیم؛ از جمله اینکه فرمودید: «شیعه سنی، دو بال امت اسلامی هستند و آنچه که اکنون بین شیعه و سنی اتفاق می افتد، تلاشی است برای ضربه زدن به مسلمانان از طریق سلاح (کشتار و جنگ مذهبی)؛ و اینکه «تا زمانی که شیعه و سنی به شهادتین ایمان داشته باشند، الازهر میان شیعه و سنی تفاوتی قائل نیست». این سخنان شما در راستای رویه الازهر شریف در نشر مفاهیم اعتدال فکری و اعتقادی می باشد.

اما اجازه بدهید درباره این برنامه تلویزیونی چند نکته را بیان کنم: اول: در رابطه با مسأله دشنام و بدگویی به برخی صحابه علاوه بر برخی از فضایل شیعه، - چنانکه جنابعالی اشاره کردید - باید گفت، همه مراجع شیعه نیز از این کار برات می جویند. فقط برخی از مردم عوام شیعه که درخور توجه نیز نیستند، به این کار مبادرت می نمایند. دوم: ما بر این باوریم که برخی نکات بیان شده از سوی جنابعالی در این برنامه تلویزیونی در خصوص باورها و اعتقادات شیعه، قابل بحث و مناقشه است.

همچنین با وجود احترام فراوانی که برای جنابعالی قائل هستیم، بر این باوریم که طرح این مطالب از طریق رسانه ها، موجب افزایش اختلافات میان شیعه و سنی می شود و بسیاری از دشمنان اسلام همین مطالب را دستمایه اهداف خودشان خواهند نمود.

ای کاش، این مسائل در جلسات علمی و غیر علنی و با حضور علمای دو مذهب شیعه و سنی، طرح و بررسی می شد؛ نه در رسانه گروهی.

از این رو، پیشنهاد می کنیم کنفرانس علمی با حضور برجسته ترین علمای دو مذهب شیعه و سنی برگزار شود تا مهم ترین موانع وحدت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و از سوی دیگر مهم ترین اقدامات لازم برای تقویت وحدت اسلامی طرح گردد و در پایان، نتایج این کنفرانس علمی، به صورت مصوبات الزام آور، برای همگان مورد عمل قرار گیرد.

امیدوارم جنابعالی نیز این پیشنهاد را بپذیرید تا شیعیان ناچار نشوند از طریق رسانه های گروهی و شبکه های ماهواره ای به اشکالات بیان شده از سوی شما نسبت به مذهب شیعه، پاسخ دهند.

در پایان بار دیگر از شما تشکر می کنم که مسیر وحدت میان مسلمانان را همچنان ادامه می دهید. برای جنابعالی توفیق و لطف بیشتر الهی را خواستارم.

قم - ناصر مکارم شیرازی

۲۹ رمضان المبارک ۱۴۳۶

آیت الله اراکی تأکید کرد:

آغاز دوران جدیدی از حمایت از فلسطین و مسجد الاقصی

طرفینی و چند جانبه متعددی با چهره ها، علما، و شخصیت های شرکت کننده در این اجلاس صورت گرفت.

وی افزود: با شخصیت های معتبر لبنان نیز دیدار ها و گفتگو های خوبی انجام گرفت که یکی از این گفتگو ها، دیدار هیئت ایرانی با مفتی اعظم جمهوری لبنان بود که دیدار خوب و موافقی بود و در این

دیدار پیرامون مسئله تقریب، مشکلات جهان اسلام، و مشکلات منطقه بحث و گفتگو شد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با بیان اینکه هیئت ایرانی از برخی مراکز دینی لبنان نیز بازدید کرده است، اظهار داشت: در کل هم هیئت ایرانی، هیئتی موفق بود و هم اجلاس اتحادیه علمای مقاومت، اجلاس بسیار موافقی بود.

آیت الله اراکی با بیان اینکه ما تاکنون اجلاسی با این کیفیت و با این جهت گیری در سراسر جهان اسلام و منطقه نداشتیم، اظهار داشت: این برای اولین بار بود که

اجلاسی با این جهت گیری و با این شعار یعنی شعار «وحدت برای آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل» برگزار شد آن هم با این تنوع که از سراسر جهان اسلام از

اندونزی گرفته تا موریتانی نمایندگان تقریباً از همه کشورهای اسلامی حضور داشتند، نمایندگان بسیار صاحب نام

و مؤثر و چهره های برجسته جهان اسلام از شیعه و سنی که البته اکثریت این دعوت شدگان و شرکت کنندگان از علمای برجسته اهل سنت جهان اسلام بودند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به اهمیت بسیار بالای برگزاری این اجلاس در شرایط



آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب که در صدر هیئتی متشکل از علمای شیعه و اهل سنت جمهوری اسلامی ایران جهت حضور در اولین اجلاس عمومی اتحادیه جهانی علمای مقاومت به لبنان سفر کرده است در پایان این سفر در گفتگو با خبرنگار تقریب به تشریح این سفر و دستاوردهای پرداخت و گفت: به نظر

هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به لبنان یکی از کم نظیر ترین هیئت هایی بود که تاکنون به لبنان سفر کرده بود زیرا این هیئت مرکب از جمع متنوعی از برجسته ترین علمای اهل سنت و تشیع ایران بود.

وی افزود: اهل تسنن حاضر در این هیئت ترکیبی از نمایندگان اهل تسنن سراسر کشور از استان های سیستان و بلوچستان، خراسان، گلستان، کردستان و هرمزگان بود بنابراین ترکیب جامعی از علمای برجسته اهل سنت کشور در آن حضور داشتند همچنین علاوه بر این نمایندگان ولی فقیه در استان های سیستان و بلوچستان و کردستان نیز عضو این هیئت بودند که در مجموع یک ترکیب کم نظیری از یک هیئت عالی رتبه علمی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در اجلاس اتحادیه علمای مقاومت شرکت کردند.

آیت الله اراکی اظهار داشت: هیئت ایرانی شرکت بسیار فعال و مؤثری در این اجلاس داشت هم در مراسم افتتاحیه و هم در سایر بخش های دیگر این اجلاس سخنرانی ها و مقاله های بسیار مؤثر و نابی از سوی هیئت ایرانی ایراد شد، همچنین گفتگو های

آیت الله تسخیری:

لایحه حقوق بشر اسلامی بسیار غنی تر از لایحه جهانی حقوق بشر است

و نمایندگان کشورهای اسلامی بررسی و در اجلاس وزرای خارجی کشورهای اسلامی در قاهره تصویب شد که البته نقص هایی دارد، چون در آن لایحه آمده بود همه کشورهای اسلامی سعی کنند این حقوق را اجرا و عملی کنند اما متأسفانه برخی از کشورهای به اصطلاح اسلامی با آن مخالفت کردند و گفتند مشروط بر اینکه با قوانین داخلی ما سازگار باشد، اجرا می کنیم. در پایان این مراسم جایزه حقوق بشر اسلامی برای مفهوم سازی حقوق بشر اسلامی به آیت الله محمد علی تسخیری اعطا شد.

مشاور مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام تأکید کرد: اسلام بر اساس ایمان به فطرت حقوق بشر را به طور دقیق تنظیم کرده است.

آیت الله تسخیری در ادامه اظهار داشت: بر اساس مقایسه ای که بین حقوق بشر در لایحه جهانی و حقوق بشر اسلامی انجام دادم، لایحه اسلامی بسیار غنی تر از لایحه جهانی حقوق بشر است.

وی افزود: لایحه حقوق بشر اسلامی وقتی به سازمان کنفرانس اسلامی تحویل شد با حضور متفکران

آیت الله «محمد علی تسخیری» رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب طی سخنانی در مراسم بزرگداشت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی با بیان اینکه اسلام دین واقع نگری است، اظهار داشت: این واقع نگری را می توان در جای جای قرآن کریم مشاهده کرد. وی افزود: یکی از مظاهر مهم واقع نگری اسلام، ایمان به مسئله فطرت انسانی است و اگر ایمان به این مسئله نباشد خیلی از واژه های ما نظیر عدالت، انسانیت، حق، تمدن، اخلاق و شناخت بی معنی خواهد بود.

اهدای دومین جایزه حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی به مجمع تقریب و آیت الله تسخیری و چندین شخصیت و سازمان برگزیده



به خاطر تلاش ها و اقدامات برجسته آن در وحدت میان مسلمانان، مقابله با افراطی گری و جریان تکفیری داعش.

۲- اعطای جایزه حقوق بشر اسلامی به سازمان دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک یمن به دلیل نقش چشم گیر آن در افشای موارد نقض حقوق بشر مردم یمن در جریان حملات نیروهای خارجی و همچنین انتقال کمک های بشردوستانه و نجات قربانیان.

۳- تجلیل از آیت الله محمد علی تسخیری و اعطای جایزه ویژه به دلیل تلاش های برجسته و ارزشمند ایشان در تولید محتوا و مفهوم سازی در حوزه حقوق بشر اسلامی.

۴- تجلیل از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به دلیل نقش مؤثر آن در ایجاد وحدت میان مسلمانان و مذاهب اسلامی و مقابله با افراطی گری.

غریب آبادی همچنین اظهار کرد: این کمیته بر خود لازم می داند از آیت الله العظمی سیستانی به دلیل صدور فتاوی وحدت بخش و طرد جریان های افراطی و تکفیری و همچنین آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی به خاطر برگزاری کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام تقدیر و تشکر ویژه کند.

است که هر سال در چهاردهم مردادماه از سوی ستاد حقوق بشر به مدافعان حقوق بشر اسلامی که از این حقوق حمایت کرده و آن را ترویج می کند، صرف نظر از دین و مذهب آنان اهدا می شود.

غریب آبادی خاطر نشان کرد: کمیته اعطای جایزه حقوق بشر اسلامی مرکب از دبیر ستاد حقوق بشر، معاون فرهنگی قوه قضائیه، رئیس کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی، معاون امور حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه و معاون امور بین الملل ستاد حقوق بشر برای تعیین برندگان دومین جایزه حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی در جلسه نهایی با بررسی ۱۴ کاندیدا از کشورهای مختلف تصمیمات ذیل را اتخاذ کرد:

۱- اعطای جایزه حقوق بشر اسلامی به شیخ خالد عبدالوهاب الملا، رئیس مجمع علمای اهل سنت عراق

مراسم بزرگداشت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی و اعطای دومین جایزه حقوق بشر اسلامی با حضور علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، آیت الله تسخیری، مشاور رهبر معظم انقلاب در جهان اسلام، آیت الله محسن اراکی، دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی و جمعی از فعالان حقوق بشر کشورهای اسلامی در مرکز مطالعات وزارت امور خارجه از سوی ستاد حقوق بشر اسلامی قوه قضائیه برگزار شد.

در این مراسم غریب آبادی، معاون امور بین الملل ستاد حقوق بشر شخصیت های و سازمان های فعال این حوزه را معرفی کرد. وی اظهار کرد: ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی طی ۱۰ سال فعالیت خود تا امروز همواره تلاش کرده تا ظرفیت های ملی و بومی در زمینه صیانت از کرامت انسان ها در ابعاد مختلف توسعه پیدا کند و گفتمان حقوق بشر اسلامی و دیدگاه حقوق بشری جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی تبیین شود.

غریب آبادی افزود: در این راستا همگام با برگزاری همایش گرامیداشت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت اسلامی این ستاد تصمیم گرفت اولین جایزه حقوق بشر اسلامی را نیز در جهت حمایت از قربانیان و مدافعان حقوق بشر اسلامی به مدیر بیمارستان کودکان النصر غزه اهدا کند و اظهار کرد: جایزه حقوق بشر اسلامی جایزه ای

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۲ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشد

پیشرفت تشیع در ایران مدیون شهید ثانی است

رئیس موسسه کتاب‌شناسی شیعه با بیان اینکه رشد تشیع در ایران مدیون شهید ثانی است گفت: تمامی آثار شهیدثانی اعم از خطی و غیرخطی در تمامی نقاط دنیا جمع‌آوری و در قالب موسوعه ۳۰ جلدی چاپ و منتشر شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری، رئیس موسسه کتاب‌شناسی شیعه با اشاره به سال روز تولد شهید ثانی در بزرگداشت مقام این عالم جهان تشیع گفت: ایشان با عمر کوتاه ۵۴ ساله خویش که ۱۰ سال آن را نیز تحت فشار دولت عثمانی در حالت تعقیب و گریز بوده‌اند توانست شاگردان خوبی تربیت و آثاری از خود برجا بگذارد که تاکنون هم ماندگار و مورد استفاده است. وی اظهار کرد: پدر شیخ بهایی یکی از شاگردان ایشان است که به همراه فرزند خود یعنی شیخ بهایی در تاریخ شیعه اثرگذاری زیادی داشتند و به دستور وی به ایران سفر کرده و پیشرفت تشیع در کشور مدیون این سه عالم بزرگ است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری با اشاره به سفر پدر شیخ بهایی به ایران تصریح کرد: گزارش این سفر به زبان عربی توسط موسسه بوستان کتاب با عنوان الرحله منتشر شده است.

وی ادامه داد: آثار شهید ثانی از زمان خود تاکنون در حوزات علمیه تدریس و بحث می‌شده و سرآمد بوده است که یکی از آنها شرح لمعه است که دارای بیشترین نسخ خطی است و همه آنها جمع‌آوری شده است.

آقای مختاری با بیان اینکه شهید ثانی شخصیتی تاثیرگذار و اخلاقی است ادامه داد: در دوره حکومت عثمانی به جرم شیعه بودن شهید و دفاع وی از اهل بیت سخت‌گیری زیادی نسبت به شیعیان صورت می‌گرفت به همین دلیل ۱۰ سال ایشان فراری بود و سرانجام ایشان را در حالی که در مکه به سر می‌برد دستگیر کرده و براساس گزارش یکی از علمای اهل سنت در استانبول بدون محاکمه و به دستور رستم پاشا، نخست وزیر دولت عثمانی به اعدام محکوم و وی را شهید کردند.

رئیس موسسه کتاب‌شناسی شیعه از چاپ زندگینامه شهید ثانی در یک جلد مستقل مبسوط توسط این موسسه خبر داد و افزود: سال گذشته موسوعه شهید ثانی رونمایی شد که شامل ۳۰ جلد می‌شود که ۲۸ جلد محتوا، یک جلد فهرست و یک جلد نیز مدخل آن است که جلد مدخل که مجلد صفر است در حال آماده‌سازی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری بیان کرد: تمامی آثار موجود شهید ثانی اعم از خطی و غیرخطی در سراسر دنیا جمع‌آوری و در قالب موسوعه منتشر شد و بهترین چاپ موجود محسوب می‌شود.

وی گفت: شرح حال زندگانی این عالم بزرگ در موسسه کتاب‌شناسی و در مجموعه اعلام الشیعه که شرح حال بزرگان تشیع است مستقلاً چاپ خواهد شد.

کتاب شهید حکیم درباره حضرت فاطمه (س) منتشر شد

از پیچیدگی.

چاپ اول کتاب «فاطمه الزهرا (س)؛ اهداف، مواضع و دستاوردها» در ۱۸۴ صفحه، قطع رقی، دو رنگ و قیمت ۷۰۰۰ تومان منتشر شده است. دفتر نشر معارف پیش از این در زمینه معرفی شخصیت، جایگاه و سبک زندگی حضرت فاطمه (س)، «فاطمه



«سخن گفتن از یگانه بانوی اسلام، بحث تازه‌ای نیست و تاکنون نویسندگان و محققان زیادی پیرامون سیره ایشان آثاری را ارائه کرده‌اند، اما امتیاز کتاب ارزشمند حاضر به این است که نویسنده فرزانه آن، مجاهد شهید، آیت الله سید محمدباقر حکیم تلاش کرده تا به ابعاد جدیدی از شخصیت برجسته زهرا (علیهاالسلام) بپردازد.

امتیازات کتاب را می‌توان بدین صورت بیان کرد:

۱. محتوای پرمغز، عمیق و همراه با استدلال‌های محکم و روشن با استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و سخنان گهربار ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛
۲. شرح ابعاد شخصیت زهرا (علیهاالسلام) و ارکان جامعه اسلامی؛

۳. بیان چارچوب‌های فکری، شرعی، سیاسی و اخلاقی نهضت زهرا (علیهاالسلام)، بدون اطاله کلام در روایت تاریخ یا شرح رویدادها؛

۴. تلاش مؤلف برای گسترش نگاه درست به اتفاقات پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، موضوع فدک و ماجرای حمله به بیت فاطمه (علیهاالسلام)؛

۵. تبیین نقش و تأثیر حضرت زهرا بر رویدادهای پس از رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)؛

۶. بهره‌گیری از قلمی شیوا و روان و نثری به دور

(س) از نگاه علی (ع) «حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدیان»، «سیره اخلاقی و سبک زندگی حضرت فاطمه الزهرا (س)» «حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جباری»، «تبسم نام‌ها؛ نام‌ها و القاب حضرت زهرا (س)» «حجت‌الاسلام والمسلمین یوسف غلامی»، «فاطمه زهرا (س)؛ پیام‌ها و پاسخ‌ها» و «ترجمه خطبه فدکیه» (هر دو از حجت‌الاسلام محمد مهدی رضایی) را منتشر کرده است.

برای تهیه کتابهای فاطمی و دیگر آثار دفتر نشر معارف می‌توان از طریق سایت پاتوق کتاب: KETABROOM.IR یا دفتر مرکزی نشر معارف قم (۳۷۷۴۰۰۰۴) یا از طریق فروشگاه‌های پاتوق کتاب تهران (تلفن ۸۹۱۱۲۱۲)، پاتوق کتاب قم (تلفن ۳۷۷۳۵۴۵۱) و دیگر مراکز توزیع محصولات فرهنگی اقدام کرد.

معرفی کتاب مقاومت مردمی در حماسه‌ی آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)

تئوری‌ها در مبارزه، رژیم پهلوی را سرنگون کنند که البته به دلیل نداشتن پایگاه مردمی و اختلافات داخلی منشعب شده و توسط رژیم مهار و تضعیف شدند و هیچ توفیق قابل ملاحظه‌ای نداشتند. یکی از گروه‌های

اتحادیه‌ی کمونیست‌ها در سال ۱۳۵۵ در خارج از ایران تشکیل شد و اعضای آن اغلب از طبقات مرفه ایران بودند. آنان غالباً دانشجویانی بودند که برای تحصیل به ایالات متحده فرستاده شده بودند. اتحادیه تحت تأثیر شکاف در اردوگاه کمونیسم به تز مبارزاتی مائو گرایش یافتند و به مقابله با امپریالیسم می‌اندیشیدند. با پیروزی انقلاب اسلامی اعضای اتحادیه به ایران آمدند و با مشاهده‌ی فضای انقلابی کشور و حمایت کامل مردم از انقلاب چاره‌ای جز همراهی ندیدند و بعضاً با حوادث آن سال‌ها مانند تسخیر لانه‌ی جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام و جنگ تحمیلی عراق همدلی نشان دادند. اما به علت اعتقاد به مارکسیسم از ماهیت اسلامی نظام

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ش متأثر از رونق و رواج جریان جنگ چریکی در جهان و به‌ویژه مبارزات چریک‌هایی چون چگوارا و کاسترو در آمریکای لاتین و توفیق این جریان در آن نقطه‌ی عالم در براندازی حکومت‌های وابسته به بلوک غرب، تب مبارزه‌ی چریکی در جهان سوم نیز شدت گرفت. علاوه بر این، پیروزی انقلاب چین به رهبری چریکی به نام مائو و عوض شدن راه وی از شوروی سوسیالیستی باعث شکل‌گیری انواع گروه‌های چپ با تئوری‌های مختلف برای مبارزه با رژیم‌های وابسته به غرب شد. این گروه‌ها در ایران متأثر از فضای علم‌زدگی مارکسیستی به تبیین جامعه و تاریخ و نحوه‌ی مبارزه با رژیم پهلوی می‌پرداختند و می‌کوشیدند با به‌کار بستن انواع این



رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان استان قم:

نخستین دفتر پستی ویژه ناشران در قم افتتاح شد

نخستین دفتر پستی ویژه ناشران در مجتمع ناشران استان قم راه‌اندازی شد. حمید خرمی رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان استان قم از تأسیس نخستین دفتر پستی مخصوص ناشران در کشور خبر داد و گفت: نخستین دفتر پستی مخصوص ناشران در مجتمع ناشران قم افتتاح شده است.

وی ادامه داد: در پس تفاهم‌نامه معاونت فرهنگی ارشاد و اداره پست جمهوری اسلامی ایران که به ارائه تخفیف ۴۰ درصدی پست به محموله‌های ناشران منجر شد، ما اقدام به تأسیس این دفتر کردیم و نمایندگان شرکت پست نیز از دو روز پیش در این دفتر مستقر شده و آماده ارسال محموله‌های پستی ناشران به سراسر کشور هستند.

خرمی افزود: فعلاً تنها حمل محموله‌های پستی ناشران اعم از کتاب، مطبوعات و محصولات فرهنگی که با تخفیف ۴۰ درصدی همراه است را از طریق این دفتر پیگیری می‌کنیم، اما در ادامه اگر برنامه‌ها و امور دیگری از تهران ابلاغ شود، هم‌چون پیگیری تمدید پروانه‌های نشر از طریق پست و ... ما نیز از آن در قم حمایت خواهیم کرد.

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان قم در پاسخ به این پرسش که چه درصدی از محموله‌های ناشران قم به سراسر کشور ارسال می‌شود، گفت: اکنون چند سالی است که وضع اقتصاد نشر خراب است و با وجود چند برابر شدن نرخ‌های پستی در سال‌های گذشته کمتر ناشرانی از آن استقبال کرده‌اند، اما در گذشته که نرخ‌های پستی کمتر بود، استقبال قابل توجهی انجام می‌شد.

وی با اشاره به تخفیف‌های ۴۰ درصدی پست گفت: من در روز افتتاحیه به مدیرکل ارشاد استان قم پیشنهاد دادم که با همکاری وزارت ارشاد از اداره پست بخواهند که این تخفیف را به ۵۰ درصد برساند و از طرفی دیگر ارشاد نیز به عنوان یارانه برای اقتصاد نشر ۵۰ درصد باقی‌مانده را متقبل شود و اینگونه ناشران فعالیت گسترده‌تری را در سطح کشور داشته باشند، در طرف از پیشنهاد بنده استقبال کردند و قرار شد با معاونت فرهنگی ارشاد در میان گذاشته شود.

خرمی در پایان گفت: تخفیف‌های ۴۰ درصدی پست در حال حاضر برای انتقال محموله‌ها به داخل کشور است، البته صحبت‌هایی انجام شده تا برای خارج از کشور نیز برنامه‌ریزی لازم انجام شود.

انتشار «اعترافات» حجت‌الاسلام محمدرضا زائری



حجت‌الاسلام محمدرضا زائری گزیده‌ای از یادداشت‌های خود را در قالب کتابی با عنوان «اعترافات» از سوی نشر آرم منتشر کرد. وی در بخشی از این مقدمه خود بر این کتاب می‌نویسد: «ورق زدن این نوشته‌ها پیش از هر کسی برای خود من آزاردهنده است؛ که می‌بینم سال‌ها جوانانه و از سر خوش باوری

به جای علم آموزی و فضیلت‌اندوزی، سرگرم فریاد کردن‌هایی بوده ام که حتی به اندازه دلخوشی امروز نویسنده اش خاصیت نداشته است! آیا پیشمانم؟ راستش نه، علی‌رغم همه خستگی‌ها و آزرده‌گی‌ها و علی‌رغم همه بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها هرگز از نوشتن و گفتن و فریاد کردن پیشیمان نیستم. چرا که از یک طرف این بخشی از هویت من بوده است که گفت: «گر نروم، نیستم» و از طرف دیگر هنوز رمقی اندک از امید در دلم باقی است که شاید روزی، جایی، کسی از این ورق پاره‌ها را بخواند و صداقت و حسن نیت و سوز جان نویسنده در دلش اثر کند و برخیزد و بشتابد و فریادی برآورد و فریادها در هم بتابد و اندک اندک قدرتی بشود برای حرکت و بیداری و تغییر...»

در این کتاب زائری ۴۶ یادداشت با موضوعات مختلف فرهنگی را گنجانده که عناوین برخی از آنها عبارتند از «فحط الرجال یا جهل الرجال»، «نه شرقی، نه غربی، نه جمهوری اسلامی»، «و اما معاونت محترم اشتغال (دام عزها)»، «حاج آقا شما از شهرام جزایری چقدر گرفته‌ای؟»، «شعراهای چهار سال بعد»، «آیا هنوز مردم به روحانیت اعتماد دارند»، «آقایان... ببخشید که دشمن دشمنی می‌کند»، «مغرها فرار نکنند چه کنند؟» و...